



هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

سال سی و هشتم ♦ شماره ۱۶ ♦ شماره مسلسل ۱۵۵۸ ♦ نیمه دوم آبان ماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان



بزرگداشت سالگرد ارتحال
علامه طباطبائی:

تفسیر المیزان آبروی شیعه

صفحه ۶



به مناسبت سالگرد رحلت
حجت الاسلام والمسلمین حاج
سیدعبد الحمید مولانا

مرید و شاگرد امام خمینی به روایت همسنگران

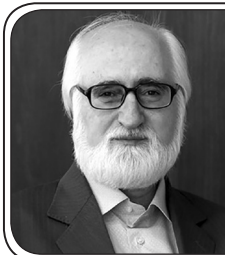
صفحه ۳



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

کتابخانه‌ها مهد تمدن بشری هستند

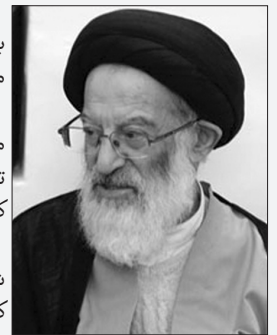
صفحه ۸



آموزش در هیاهوی اقتصاد و
سیاست گم شده است

معلمی از زبان یک معلم

صفحه ۲



حضرت آیت الله شبیری زنجانی: ورود طلاب به فعالیت‌های سیاسی محبوبیت آنان را کم می‌کند

طلبه باید تلاش کند با مردم فاصله نداشته باشد. گاهی مواردی پیش می‌آید که خواسته ما با خواسته مردم متفاوت است.

حضرت آیت الله شبیری زنجانی در دیدار با مدیر حوزه‌های علمیه کشور از کم رنگ شدن تقوی، دانش و محبوبیت طلبه‌ها ابراز تأسف کرد.

به گزارش شفقنا، این مرجع عالی قدر کم شدن محبوبیت طلبه‌ها در جامعه را «نگران کننده» دانست و گفت: نوع طلبه‌ها محبوبیت سابق را ندارند. در گذشته این صنف محبوب و مورد احترام بود، اکنون ممکن است شخصی به خاطر رفتارش در جایی مورد احترام باشد اما این موضوع درباره نوع طلبه‌ها نیست. الان اگر اختلافی بین طلبه و غیر طلبه در جامعه رخ دهد، چرا خیلی‌ها حداقل قسمتی از مشکل را از جانب طلبه می‌دانند؟ چون محبوبیت طلبه‌ها کم شده است. اینها مصیبت‌هایی است که اگر چه سخت است اما باید قبول کرد.

وی «ورود طلاب به فعالیت‌های سیاسی» را یکی از عوامل مهم کم شدن محبوبیت آنان دانست و افزود: بسیاری از افراد تخصص لازم را ندارند. جدای از اینکه برخی رفتارها شأن و احترام طلبه را پایین می‌آورد؛ مخصوصاً اینکه طلبه پرچم به دوش بکشد و بگوید «زید» را شما انتخاب کنید و «عمرو» را انتخاب نکنید. این رفتارها شأن و احترام طلبه را پایین می‌آورد؛ یک بازاری محترم این کار را نمی‌کند که یک طلبه انجام می‌دهد؛ طلبه هم اگر بخواهد در این زمینه فعال باشد باید در این مسیر یک سری ارشادات کلی داشته باشد اما وارد شدن طلبه‌ها به این وادی صلاح حوزه و طلبه نیست.

قیم از نظر معلومات آن طور که باید باشد نیست

حضرت آیت الله شبیری زنجانی از کم شدن «علمیت» حوزه‌های علمیه ابراز نگرانی کرد و افزود: الان خیلی از چیزها شعار است اما شعار جای واقعیت را نمی‌گیرد. خیلی‌ها در اولیات فقه مانده‌اند اما از آنها به عنوان مجتهد یاد می‌شود. مرحوم والد ما همه موارد علم را با استنادات حاضر داشت. الان من به جای او نشسته‌ام اما برخی از مسائل را نمی‌دانم. گاهی انسان به چیزی نیاز دارد باید از کسی بپرسد اما کسی نیست که اگر مشکل فقهی پیش آمد از او بپرسیم.

این مرجع عالی قدر از کم فروغ شدن موضوع «تقوا» در حوزه‌های علمیه انتقاد کرد و گفت: یکی از مسائلی که الان با سابق فرق کرده است مسأله اخلاق و تقوای طلبه‌هاست.

آن زمان مرحوم آقای خمینی درس اخلاق داشت و حوزه معنویت خاصی داشت

از مرحوم سید مرتضی عسکری شنیدم که گفت طلبه فیضیه بودیم. دو ساعت به اذان صبح چراغ همه حجره‌ها روشن بود و طلبه‌ای خواب نبود. علی القاعده همه مشغول تهجد بودند. الان چنین نیست. خوف الهی باید وجود داشته باشد.

حضرت آیت الله شبیری زنجانی، آسیب ندیدن «نوع روحانیت» را برای دوام برنامه‌های دینی ضروری دانست و از طلبه‌ها خواست با رفتار صحیح خود با مردم به ترمیم چهره این قشر کمک کنند.

وی تأکید کرد: طلبه باید تلاش کند با مردم فاصله نداشته باشد. گاهی مواردی پیش می‌آید که خواسته ما با خواسته مردم متفاوت است ما باید در کنار مردم قرار بگیریم چرا که با همین مردم می‌خواهیم دین خدا را اجرا کنیم.

این مرجع عالی قدر در پاسخ به پرسش مدیر حوزه‌های علمیه درباره فقه اجتماعی گفت: اگر فقه در امور اجتماعی دارای نواقصی است نه به این علت است که فقه ناکارآمد است بلکه به این دلیل است که ما روی آن کار نکرده ایم. چرا که موقعیت آن پیش نیامده بود و الان می‌توان با استناد به قرآن و سیره نبی اکرم و ائمه هدی علیهم السلام به این موضوعات پرداخت. البته فقه اجتماعی نباید در مقابل فقه فردی تصور شود.

دیپلماسی وحدت اسلامی؛ مهم‌ترین ضرورت میان مذهبی در پساداعش

کرد؛ زیرا تداوم پیروزی‌ها و استمرار اقتدار روز افزون جبهه مقاومت مقوله‌ای نرم افزاری است و در کنار نوسازی سخت افزاری عراق و سوریه و دیگر کشورهای اسلامی هم چون یمن، باید بر نوسازی علمی و نظری بر مبنای اصل راهبردی وحدت امت اسلامی تأکید کرد.

نقش راهبردی دانشگاه مذاهب اسلامی در پساداعش



آری مواجهه جهانی نظام‌های عدالت طلبانه با قدرت‌های استکباری به اوج خود رسیده است و نظام اسلامی به عنوان یک قدرت مهم در منطقه نقش کلیدی در معادلات جهانی در فضای پساداعش ایفا می‌کند؛ با این تفاسیر دانشگاه مذاهب اسلامی در تسهیل ورود نرم افزاری ایران به جوامع اسلامی و دیگر جوامع بشری بر مدار تقرب مذاهب اسلامی و وحدت جهانی، از نقش کلیدی برخوردار است.

بدیهی است ضرورت شکل‌گیری آینده بر اساس صبر، بصیرت و رویکردهای معرفتی اجتناب‌ناپذیر است در غیر این صورت آینده تارک با ابزار فتنه‌اندوزی و بحران‌زایی قدرت‌های استکباری خود را بر ما تحمیل خواهد کرد؛ از این رو جایگاه بی‌بدیل دانشگاه مذاهب اسلامی در فهم‌تئوریک جهان و ایجاد حلقه‌های عظیم فکری و معرفتی و ارائه روش‌شناسی وحدت در جهان بر مبنای آینده‌نگری غیر قابل انکار است.

نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین؛ واقعیت اعلام آمادگی آمریکا برای مذاکره

در تبیین این مسأله باید گفت خوش بینی بدون عقلانیت در مواجهه با جهان و بی‌اعتنایی به مقاومت در گام نخست در برابر چالش‌های منطقه‌ای و نیز غفلت از رویکردهای فکری در ارتباطات میان فرهنگی بر محور عزت، حکمت و مصلحت، مجدداً قدرت‌های شیطان را در فتنه‌انگیزی در منطقه جری خواهد کرد؛ به ویژه آنکه باید دانست واقعیت تأکید بی‌حدو حصر قدرت‌های غربی بر اصل مذاکره با کشورهای اسلامی به ویژه پس از شکست در سوریه و عراق، در بستر تئوری بازی‌های زبانی شکل گرفته است که بیش از آنکه به واقعیت بپیوندد در قالب شعار و ادعای رسانه‌ای باقی خواهد ماند و صرفاً شعار آن طرح می‌شود و در واقع و عمل هیچ اراده‌ای برای رفع چالش‌ها و رفع مشکلات و موانع امت اسلامی مشاهده نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۵

پیروزی غرور انگیز جبهه مقاومت اسلامی در برابر جریان تکفیر و گروه‌های افراطی همچون «داعش» و شکست و اضمحلال حامیان تروریسم در منطقه امر مبارکی است که از زوایای مختلف قابل تحلیل و بررسی است. به این مناسبت حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین مختاری؛ رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در یادداشتی ضمن تبریک این پیروزی بزرگ به بررسی ابعاد این موفقیت ارزشمند و همچنین رسالت نهاد و مرکز علمی و تقریبی همچون دانشگاه مذاهب اسلامی در دوران پساداعش پرداخته است. مشروح این یادداشت را در ادامه می‌خوانید:

جنگ مذهبی سی ساله در جهان اسلام؛ اشتباه استراتژیک غرب

اهمیت حقیقی پیروزی دولت و ملت سوریه و عراق و در مجموع جبهه مقاومت بر داعش و دیگر گروه‌های تروریستی تکفیری وقتی نمایان می‌شود که بدانیم ریچارد هاس رئیس شورای روابط خارجی آمریکا به مانند دیگر سیاستمداران کاخ سفید، تکرار جنگ‌های مذهبی در اروپای قرن ۱۷ میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها را این بار در خاورمیانه و در قالب جنگ سی ساله! میان اهل سنت و شیعه، نوید داده بود؛ توهمی عجیب که نشان از عدم شناخت افق‌های مشترک فراوان میان مذاهب اسلامی است، البته نیز دیری نپایید که این توهم در کوتاه‌ترین زمان در هم شکست و رنگ باخت؛ زیرا در عمل جریان مقاومت اعم از شیعه و سنی و دیگر احاد جامعه عراق و سوریه نه در قالب جنگ‌های مذهبی بلکه تحت عنوان مبارزه با تروریسم با اتحاد و انسجام کامل در مقابله با جریان‌های تکفیری که از سوی غرب و متحدانش به شدت حمایت می‌شد موفق عمل کرده و این جرثومه فساد را پس از ۶ سال به ورطه اضمحلال و فروپاشی کشاند.

ضرورت مقابله علمی با جریان‌های افراطی و تکفیری

حقیقت آن است که دستاورد جبهه مقاومت به رهبری ایران در نبرد با داعش که از عقبه شدید حمایتی جریان غربی عربی عبوری برخوردار بود، پیروزی ارزشمند در یک جنگ تمام عیار جهانی به شمار می‌آید؛ حال باید در چگونگی تداوم اقتدار جریان مقاومت در فضای پساداعش اندیشید و به این مسأله راهبردی رهنمون شد که پس از پیروزی نظامی باید در مقابله فکری و علمی با جریان‌های افراطی و تکفیری موفق عمل

«جواد محقق»، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگاری است که در طول ۶۳ سالی که از عمرش می‌گذرد، در هر عرصه‌ای که فعالیت کرده، عمده دغدغه‌اش معرفی معلمان و ارتقای جایگاه‌شان در جامعه بوده است. معلمی که اگرچه این روزها در حوزه ادبیات و شعر و شاعری فعال است، اما هنوز هم دلش با یاد آموزش و پرورش می‌تپد. جواد محقق، در سال ۱۳۶۶ برای تدریس در مدارس ایرانی خارج از کشور، ابتدا به پاکستان و یک سال بعد به ترکیه رفت، وی پس از بازگشت، در سال ۱۳۶۹ با توجه به سابقه تدریس در مراکز مختلف و نیز فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی، به‌عنوان سردبیر ماهنامه «رشد معلم» انتخاب شد و ۱۳ سال، بیش از ۱۱۰ شماره آن را منتشر کرد. او بعدها سردبیری ماهنامه‌های «رشد نوجوان» و «رشد کودک» و فصلنامه‌های «جوانه» و «رشد آموزش هنر» را هم برعهده گرفت و ده‌ها شماره از آنها را نیز مدیریت کرد. با بیش از صد نشریه دیگر نیز همکاری داشته و ۴۰ کتاب برای کودکان و نوجوانان و بزرگسالان منتشر کرده است. محقق درحال حاضر معاون بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان است.

معلم‌شدنتان اتفاقی بود یا شغلی بود که خودتان انتخاب کردید؟

من از نوجوانی به تدریس علاقه داشتم. خاطرم هست بچه‌های همسایه را روی پله‌ها می‌نشاند و بنا به آنچه دیده بودم، چوبی هم دست می‌گرفتم و برای آنها صحبت می‌کردم. از همان نوجوانی هم به کتاب علاقه‌مند بودم. ضمن مطالعه حواسم به این بود که نویسنده کتاب معلم هم هست یا نه. یکی، دو تابستان را در کلاس‌های تقویتی تجدیدی درس دادم. متوجه شدم نمی‌توانم با بچه‌های ابتدایی خیلی خوب ارتباط برقرار کنم، چون من نیتم از رفتن به سر کلاس بیشتر تربیت بود تا تعلیم. بعد فکر کردم معلم دبیرستان هم نمی‌توانم بشوم چون بچه‌های دبیرستانی شخصیتشان تقریباً شکل گرفته و من نمی‌توانم تغییری در آنها به وجود بیاورم، البته آن زمان تصورم این بود و الان این نیست. تصمیم گرفتم بروم معلم دوره راهنمایی شوم، به‌همین دلیل وقتی دیپلم گرفتم، از ترس اینکه مبادا لیسانس بگیرم و ناگزیر به دبیرستان فرستاده شوم کنکور ندادم. به دانش‌سرای راهنمایی تحصیلی یا همان «تربیت معلم» امروز رفتم. آنجا فوق دیپلم می‌دادند و معلم‌های کاردانی را به مقطع راهنمایی می‌فرستادند و من برای اینکه بتوانم معلم راهنمایی بشوم از خیر رفتن به دانشگاه گذشتم. در واقع هم معلمی انتخاب اولم بود و هم معلم دوره راهنمایی شدن انتخابی بود و اتفاقی نبود.

آن زمانی که خودتان دانش آموز بودید معلمی بود که بر شما تأثیر بگذارد و شما به عنوان یک الگو به او نگاه کنید؟

در آن زمان تعداد درخور توجهی از شاعران و نویسندگان ما معلم بودند، ولی شاخص‌ترینشان در آن روزگار، جلال آل احمد بود، هم به دلیل فعالیت‌های سیاسی که داشت و هم به دلیل نوشته‌ها و تألیفات. در محدوده شهرستان‌ها هم تک‌وتوک معلمانی داشتیم که اهل قلم بودند و کتاب می‌نوشتند و من با آنها هم ارتباط برقرار می‌کردم. با وجود اینکه در دبیرستان ما نبودند، از دبیرستان خودم غیبت می‌کردم و می‌رفتم سر کلاس آن معلم می‌نشستم. وقتی آشنا می‌شدیم بیرون از مدرسه و در خیابان یا کتاب‌فروشی‌ها آن بزرگواران را می‌دیدم و بهره می‌بردم. البته چند معلم غیرنویسنده خوب هم داشتم که در

یادداشتی از آنها یاد کرده‌ام و نوع تأثیرگذاری‌شان را در زندگی‌ام توضیح داده‌ام و ۲۰ سال پیش چاپ شده است.

شغل شما فقط معلمی بود؟

من در سال ۵۸ که استخدام شدم، در همدان تدریس می‌کردم. وقتی جهاد تشکیل شد، با وجود اینکه معلم شهر بودم، داوطلبانه به روستا رفتم، دو سال آنجا بودم و به کمک همسر که آموزش و پرورش بود و بودند و یکی از بچه‌های جهاد مدرسه راهنمایی‌شان را راه انداختم و البته هم‌زمان در جهاد هم فعال بودم و کارهای عمرانی و پزشکی و آموزشی در روستاهای مختلف انجام می‌دادیم. البته هم‌زمان با اینها کار فرهنگی هم می‌کردم. شعر می‌گفتم یا مقاله می‌نوشتم و با مطبوعات گوناگون همکاری داشتم.

دانش‌آموزانتان از فعالیت‌هایی که انجام می‌دادید مطلع بودند؟

در سال‌های اوایل انقلاب چون هنوز اکثر روستاها برق نداشتند، در نتیجه تلویزیونی هم در کار نبود و اگر من به برنامه‌ای در تلویزیون استانی می‌رفتم، بچه‌ها نمی‌دیدند. مطبوعات هم که به آن مناطق دورافتاده نمی‌آمد تا با فعالیت‌های مطبوعاتی من آشنا باشند. البته وقتی من در آن مناطق دورافتاده تدریس می‌کردم، اولین کتاب‌هایم در تهران و قم چاپ شد. یکی از ناشرها هم حق‌السهم مؤلف را به روستا فرستاد و در آنجا بود که بعضی از بچه‌ها متوجه کتاب‌هایم شدند، ولی چون تازه حال هیچ کتاب غیردرسی ندیده بودند فقط برایشان جالب بود که اسم آقا معلمشان روی کتاب نوشته شده است.

اولین مصاحبه‌ای که از من در مطبوعات چاپ شد در سال ۵۹ در روزنامه «جمهوری اسلامی» بود. کسی که با من مصاحبه کرد مرحوم قیصر امین‌پور بود که آن زمان در آن روزنامه فعالیت می‌کرد. آشنایی من با قیصر هم از همان زمان شروع شد. در آن روزگار به‌خاطر انقلاب، فضا سیاسی بود و همه روزنامه‌ها عمدتاً به مباحث سیاسی می‌پرداختند و عمدتاً صفحه ادبی نداشتند. شاید گاهی به مناسبتی گوشه صفحه شعری می‌زدند اما، چیزی به نام ادبیات نداشتند. در آن روزگار روزنامه «جمهوری اسلامی» به دلیل حضور دو چهره، خیلی جدی به ادبیات و هنر می‌پرداخت. یکی خود مقام معظم رهبری که در آن زمان مدیرمسئول یا صاحب امتیاز روزنامه بودند و ایشان دغدغه‌های ادبی و هنری داشتند و این فضا را می‌فهمیدند و دیگری «میرحسین موسوی» سردبیر همان روزنامه. هر دو اهل فکر و فرهنگ بودند و همین باعث شده بود در این روزنامه، کلی نیروهای فرهنگی و ادبی و هنری جمع باشند.

آن زمان مصاحبه‌ها اندک بودند و برد بسیار بالایی داشتند. تعداد محدودی هم بودیم که مصاحبه داشتیم. من، آقای معلم، آقای سبزواری، آقای سیدحسن حسینی، خانم سپیده کاشانی و... این مصاحبه‌ها بسیار مطرح شد و جالب اینجاست که تا آن تاریخ من نمی‌خواستم شاعر شوم و در حوزه ادبیات به ادبیات داستانی بیشتر علاقه داشتم. طبع شاعری داشتم و شعر می‌سرودم و قبل از انقلاب هم گاهی چاپ می‌شد اما قصد نداشتم به عنوان شاعر فعالیت کنم؛ چه برسد به اینکه به عنوان چهره هم در این حوزه شناخته شوم! بیشتر علاقه‌مند به تحقیقات تاریخی بودم، آن هم صد سال اخیر و کارهایی هم کرده بودم، ولی آن چند مصاحبه و مصاحبه‌های بعدی همان سال‌ها شدند سند شاعری!

زمانی که معلم بودید، تا چه اندازه دغدغه دانش‌آموزان تان این بود که شما را به عنوان الگو انتخاب کنند؟

آموزش در هیاوهی اقتصاد و سیاست گم شده است

معلمی از زبان یک معلم

من از سال ۶۶ خارج از ایران تدریس می‌کردم. یک سال پاکستان بودم و بعد هم رفتم ترکیه. در پاکستان بچه‌ها پنجره‌ها را با صفحات یکی از مجلات رشد پوشانده بودند تا آفتاب اذیتشان نکند. یکی، دو تا از صفحات، مصاحبه من با رشد جوان بود و عکسی هم کنارش. برایم جالب بود که عکس و مصاحبه‌ام قبل از من به آنجا رفته بود. البته من چیزی نگفتم ولی یکی از دخترها دو، سه هفته بعد کشف کرد و خیلی زود دست به دست شد. در ترکیه هم روزی سر کلاس یکی از بچه‌ها پرسید: آقا اجازه؛ شما آدم مهمی هستید؟ گفتم: شاید! شغل مهمی که دارم و معلم هستم. دیدم همه می‌خندند. یکی از بچه‌ها مجله‌ای آورد و گفت این عکس شماست؟ دیدم مصاحبه من با مجله سروش است. من خودم کارهای به این صورت را خیلی در کلاس مطرح نمی‌کردم ولی اگر کسی می‌فهمید هم پنهان نمی‌کردم.

قبل از انقلاب بچه‌ها بیشتر عشقشان این بود که افسر شهربانی یا خلبان شوند یا به نیروی هوایی بروند ولی اوایل انقلاب این رویه کاملاً برگشت و معلم‌ها به‌ویژه معلم‌هایی که توانمندی‌هایی هم داشتند، واقعا الگوپذیری داشتند. وقتی جلوتر آمدیم، فوتبالیست‌ها و هنرپیشه‌ها الگو شدند. علت آن هم گسترش رسانه‌ها بود که عمدتاً به طرح آدم‌هایی از آن جنس می‌پردازند. همین باعث می‌شود در ذهن بچه‌های ما این نوع الگوها بیشتر ماندگار شود. اگرچه معروف‌بودن لزوماً محبوبیت نمی‌آورد ولی در همه جای دنیا هم همین‌طور است. در سال‌های اخیر البته تا حدودی الگو قرار دادن معلم‌ها وجود دارد ولی به اندازه سابق نیست چون دل مشغولی‌های دانش‌آموزان تغییر کرده است.

چه شد که به جمع‌آوری اطلاعات درباره معلم‌های موفق پرداختید و در عنوان جوانی مصاحبه و دیدارهای مهمی با بزرگان زمان خودتان داشتید؟

من از نوجوانی به معلم‌ها علاقه‌مند بودم. ناخودآگاه هر شاعر و نویسنده‌ای که آثارش را می‌خواندم کنجکاوی می‌کردم که معلم هست یا نه؟ در همه دوران دبیرستانم تابستان‌ها سفر می‌رفتم و در تمام طول سال تحصیلی هم تقریباً به‌ندرت پنجشنبه‌ای را مدرسه رفته‌ام و معمولاً سفر بودم. گاهی به مبصر چیزی می‌دادم تا غیبت رد نکند و دو روز آخر هفته را یکی‌درمیان در قم یا تهران بودم. در قم به درس برخی از علما می‌رفتم یا در کتابخانه آیت‌الله مرعشی و کتابخانه آستان حضرت معصومه(ع) مطالعه می‌کردم یا در انتشاراتی‌ها می‌گشتم. در تهران هم به کتابخانه مجلس می‌رفتم. فیلم می‌دیدم و تهرانگردی می‌کردم. تابستان‌ها در آخرین امتحان، برگه را به معلم می‌دادم، از سر جلسه مستقیم می‌رفتم گاراژ (ترمینال امروزی‌ها). اولین ماشینی که بیرون می‌آمد کاری نداشتم کجا می‌رود، مهم این بود که جا داشته باشد و سوار شوم. هر جا می‌رسیدم در آن مسیر شروع به ایران‌گردی می‌کردم. تک‌وتنها با یک کوله‌پشتی و با حداقل پول، دوماه‌ونیم دورتادور ایران را می‌گشتم تا اول شهریور که برمی‌گشتم به همدان و تازه آن زمان می‌رفتم کارنامه می‌گرفتم تا ببینم تجدید شده‌ام یا نه و خب معمولاً دو یا سه تا تجدیدی داشتم. دهم شهریور امتحان‌ها شروع می‌شد و من ۱۰ روز فرصت داشتم درس‌ها را بخوانم.

اما اگر از سفرهایم بگویم، رفتنم اتفاقی بود ولی خودم می‌دانستم مسیرم کجاست و از کجا قرار است دور بزنم. در طول سال تحصیلی هم در مورد بزرگان آن شهر تحقیق و سعی می‌کردم از آنها نیمچه آدرسی پیدا کنم. اگر هم آدرسی نداشتم،

به کتابفروشی‌ها و انتشاراتی‌ها مراجعه می‌کردم تا آدرس آن شاعر، هنرمند یا عالم را پیدا کنم. در شهرهای مختلف من بیش از اینکه با آثار باستانی و زیبایی‌های شهر ارتباط بگیرم، با آدم‌های آن شهر ارتباط می‌گرفتم. مثلاً سال ۵۵ یا ۵۶ با آقای روحانی (رئیس‌جمهوری اسلامی ایران) در یزد ملاقات کرده‌ام و زانو به زانو نشسته‌ام و بحث کرده‌ام. شهید دکتر پاک‌نژاد را هم در سفری که برای دیدار آیت‌الله صدوقی رفته بودم، از نزدیک دیده‌ام و با ایشان صحبت کرده‌ام.

در سفرهای تابستانی که می‌رفتم، حوادث بسیاری‌ای برای من اتفاق افتاد؛ مثل دستگیری و شکنجه در ساواک، تصادف و بیمارستان رفتن، دزدیده‌شدن وسایلم و خلاصه دردسرهای زیادی اتفاق افتاد. گاهی در روز یک وعده بیشتر غذا نمی‌خوردم و آن هم نان و پنیر بود. ولی به‌هرحال دوماه‌ونیم سعی می‌کردم کارم را مدیریت کنم تا بتوانم کشور را ببینم و مردمش را بشناسم.

چرا توسط ساواک دستگیر شدید؟ مگر آن زمان فعالیت سیاسی هم داشتید؟

یکی، دو سال قبل از انقلاب بود که توسط ساواک دستگیر شدم. در تبریز قرار بود آقای سیدهادی خسروشاهی را که از علمای صاحب‌نام و از نویسندگان مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام» بودند، ببینم. ایشان یکی از الگوهای من برای کارهای فرهنگی و اجتماعی که انجام می‌دادم، بودند. با ایشان در قم قرار می‌گذاشتم که به تبریز بروم. البته کار دیگری هم داشتم. در آن زمان در حال تألیف کتابی بودم با عنوان «چهره‌شناسی نویسندگان مذهبی معاصر» که بسیار عنوان نویی بود. در سفرهایی که می‌رفتم و دیداری که با بزرگان و علما داشتم، از آنها شرح حال و عکس می‌گرفتم. آن زمان بزرگان به‌سختی اعتماد می‌کردند. برای جلب اعتمادشان کتاب‌های ایشان را در طول سال تحصیلی می‌خواندم یا حداقل تورقی می‌کردم و وقتی خدمت آن نویسنده یا روحانی می‌رسیدم و از ایشان شرح حال می‌خواستم و نمی‌دادند، شروع می‌کردم از کتاب‌هایشان گفتن. چون آن زمان هم کسی کتاب نمی‌خواند و من هم سنم کم بود، خیلی برایشان جالب بود و اعتماد می‌کردند. گاهی اوقات هم از طریق همین افراد یادداشت می‌گرفتم یا به بزرگ دیگری معرفی می‌شدم و به‌این ترتیب جلب اعتماد می‌کردم.

در آن سال‌ها کتابی از آقای قاضی طباطبائی خوانده بودم با عنوان «تحقیق در اربعین» که سؤال‌هایی برایم پیش آمد. تصمیم گرفتم خدمتشان برسم و سؤالاتم را از ایشان بپرسم و شرح حال هم بگیرم. وقتی در قم به آقای خسروشاهی گفتم می‌خواهم این کار را بکنم و اول تابستان بروم تبریز، ایشان گفتند من هم برادرم حالش بد است و به تبریز می‌روم، وقتی رسیدید هماهنگ کنید تا شما را نزد آقای قاضی ببرم و به ایشان معرفی کنم. با آقای خسروشاهی در یک کتاب‌فروشی قرار داشتم. البته در همان روزهای اول حضور من در تبریز، آیت‌الله خسروشاهی (برادر آقا سیدهادی) فوت کردند و در تبریز سه روز عزای عمومی اعلام شد، ولی من سر قرار رفتم، باوجود اینکه می‌دانستم به‌خاطر گرفتاری‌هایشان احتمالاً نمی‌آیند. من رفتم تا خلف وعده نکرده باشم که در مسیر رفتن دستگیر شدم. دستگیری‌ام هم بسیار وحشیانه بود. خوشبختانه ساکم همراهم نبود. آن زمان همراهداشتن کتاب‌هایی مانند کتاب شریعتی جرم بود و من دو، سه تا از آن را داخل ساک داشتم. وقتی ساواک مرا گرفت مطالبی را که از علما جمع‌آوری کرده بودم و همراهم بود، از من گرفت، این شد که بخش عمده‌ای از تألیف را از دست دادم.

ادامه در صفحه بعد

نگرفت. دارالفکرش مجمع حضور متفکران انقلابی بود و در شرایط تلخ و توانفرسای زندان و تبعید و سختگیری‌های ساواک همچنان پایدار و استوار بود. ... دارالفکر را سید بزرگوار، خوش رو و خوش اخلاق و خوش مشربی به نام آقای سید عبدالحمید مولانا (اداره می‌کرد). ایشان با جثه ظریف و ضعیفش از حضور مراجعین استقبال می‌کرد... در این کانون ما با نوآوری‌هایی در امر نشر مواجه می‌شدیم. کتاب‌های جدیدی آنجا بود. در کنار عرضه کتاب‌های حوزوی، بزرگان به آنجا می‌آمدند و از پیشگامان حمایت از نهضت امام شناخته می‌شد، لذا طبیعتاً طیف مبارز و علاقه‌مند به راه امام بیشتر آنجا جمع می‌شدند... رساله و کتاب‌های درسی امام را منتشر می‌کرد. در این مسیر خیلی فعال بود. علاوه بر چاپ کتاب‌ها سعی داشت کتاب‌ها را با کم‌ترین قیمت و گاهی بدون قیمت در اختیار علاقه‌مندان امام بگذارد. این کار بزرگی بود. یعنی پیدا بود هدفمند کار می‌کنند و سودجو نیستند که بگویند چون کتاب امام طرفدار و خریدار دارد آن را چاپ کنیم و از این مسیر بهره بیشتری ببریم.

...مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالحمید مولانا یک روحانی و آخوند بود، جنبه آخوندی‌اش را حفظ می‌کرد. بعضی‌ها عمامه به سرند، اما ایشان واقعاً حس و حال و رفتار و معاشرت یک روحانی را داشت. این جنبه آخوندی‌اش به نظر من مهم بود که این‌شان را حفظ کرده بود. مغازه‌اش به گونه‌ای پاتوق آخوندها بود... بهتر است بگوئیم پاتوق آدم‌های باسواد. چه انقلابی و چه غیرانقلابی... در کل جای محترمین بود. اصلاً مشی ایشان این نبود که افراد را تقسیم و گروه‌بندی کند. لذا مغازه‌اش پایگاهی برای اهل علم بود...

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی

یادواره شهید زین الدین و ۶۰۰۰ شهید استان قم

یادواره شهید زین الدین و ۶۰۰۰ شهید استان قم با جلوه‌های خاصی از جمله اجرای تئاتر آیینی با موضوع دفاع مقدس در مجتمع فرهنگی امام خمینی (ره) گلزار شهدای علی بن جعفر (ع) شهر قم برگزار شد. در ابتدای این مراسم نماز جماعت مغرب و عشا با حضور آحاد مردم شهید پرور قم به امامت آیت الله حسین نوری همدانی برگزار شد. این مراسم در فضایی معنوی و با بهره‌گیری از جلوه‌های بصری ویژه برگزار شد و در جریان آن هنرمندان به اجرای تئاتر آیینی با موضوع حماسه‌های رزمندگان در دوران دفاع مقدس پرداختند. حضور پرشور جانبازان، ایثارگران و رزمندگان دوران دفاع مقدس به عنوان پیشکشوتان جهاد و شهادت در این مراسم از جلوه‌های قابل توجه بود که چشم همگان را به خود جذب می‌کرد. حضور خادمان بارگاه مطهر رضوی با پرچم متبرک آستان مقدس امام رضا (ع) نیز از دیگر جلوه‌هایی بود که معنویت خاصی را به مراسم بخشید.

بیست و چهارمین یادواره سردار شهید مهدی زین الدین و ۶۰۰۰ شهید استان قم با حضور آیت الله علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه، آیت الله مقتدایی دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه، سردار محمد رضا نقدی معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران، حجت الاسلام والمسلمین مجتبی ذوالنوری و احمد امیر آبادی نمایندگان مردم قم در مجلس شورای اسلامی، سید مهدی صادقی استاندار قم، سردار غلامرضا احمدی فرمانده سپاه امام علی بن ابی طالب (ع)، جمعی از مسئولان ملی و استانی، روحانیت معزز و آحاد مردم شهید پرور استان قم برگزار شد.

در این مراسم از اولین جلد مجموعه نبردهای انقلابی که به کارنامه لشکر عملیاتی ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) در دوران دفاع مقدس می‌پردازد، رونمایی شد.

به مناسبت سالگرد رحلت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالحمید مولانا

مرید و شاگرد امام خمینی به روایت همسنگران



اشاره: آبان ماه، ایام سالروز رحلت زنده یاد حجت الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالحمید مولانا موسس و بنیانگذار انتشارات دارالفکر است. این فرزند آینده نگر و انقلابی حوزه علمیه و خادم فرهنگ علوم اسلامی از آغاز تاسیس و شکل‌گیری موسسه دارالفکر در سال ۱۳۳۶، پیوسته برای تحقق بخشیدن و بارور کردن هرچه بیشتر صنعت نشر و گسترش تعالیم حیات بخش و روح پرور اسلام، سعی خویش را مبدول داشت و در این رهگذر از هیچ کوششی دریغ نکرد.

سید عبدالحمید در سال ۱۳۰۸ از خانواده‌ای روحانی در شهر توسیرکان دیده به جهان گشود و پس از پشت سر گذاشتن دوران طفولیت در حالیکه از شش ماهگی از داشتن نعمت پدر محروم شده بود از ۷ سالگی به مکتب خانه و پس از تحصیلات مقدماتی رهسپار شهری شد و در مدرسه آیت الله برهان دروس حوزوی را پی گرفت و سپس عازم شهر قم شد. با ورود آیت الله العظمی بروجردی به قم در درس خارج فقه ایشان حاضر شد و بنیادهای علمی خویش را در محضر اساتیدی همچون امام خمینی و علامه طباطبائی استحکام بخشید. در سال ۱۳۳۳ با آیت الله کاشانی در مبارزه همراه شد و در سال ۱۳۴۲ از جمله همراهان امام خمینی در مبارزه علیه رژیم ستم شاهی بود و به دفعات محکوم به تبعید، زندان و شکنجه شد. از سال ۱۳۳۶ انتشارات دارالفکر را با هدف چاپ و نشر کتاب‌های درسی حوزه و علوم دینی تاسیس نمود و در سال ۱۳۴۱ زمانی که اوج خفقان رژیم ضد دین پهلوی بود و نام بردن از امام خمینی جرمی سنگین محسوب می‌شد، مبادرت به چاپ کتاب «تهذیب الاصول» و «حاشیه عروه الوثقی» امام خمینی کرد که با برخورد شدید ساواک مواجه گشت و کتب و اموال شخصی انتشارات توقیف گردید. پس از آن نیز همواره از هجوم گاه و بیگاه ماموران ساواک در امان نبود و یا دستگیر می‌شد و یا اموال و کتاب‌هایش را مصادره می‌کردند و برای مدتی نیز ممنوع‌المنبر شده بود.

امامی با تلاش مداوم و خستگی ناپذیر و همت بلند، موفق شد بیش از هزار عنوان کتاب درسی حوزوی و دینی از نویسندگان متعدد از جمله امام خمینی، علامه طباطبائی، آیت الله منتظری، مکارم، سبحانی، امینی و... را چاپ و منتشر نماید. آقای مولانا همچنین به خاطر عشق و علاقه وافرش به احیای کتب ارزشمند علوم دینی و درسی حوزه و دانشگاه موفق شد با همتی والا برخی از کتاب‌های شهید اول، شهید ثانی، شیخ طوسی، شیخ انصاری و... را به شکلی کاربردی و آموزشی و نو و قابل قبول تهیه و منتشر نماید و خدمات درخور تحسینی به حوزه‌های علمیه بخصوص حوزه علمیه قم انجام دهد.

حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالحمید مولانا در پی کسالتی ممتد در روز هشتم آبان ماه سال

انقلابی بود، می‌آمدند می‌نشستند و صحبت می‌کردند. ایشان به امام علاقه داشت، لذا کسانی که به امام علاقه داشتند همه به آنجا می‌آمدند... آن زمان توزیع و فروش رساله امام قدغن بود... این‌ها در زمان مبارزات بود. بعد که امام را گرفتند و تبعید کردند منزل ایشان پایگاهی برای مسائل انقلابی بود. البته آن وقت ساواک نمی‌خواست افراد به منزل امام رفت و آمد کنند حتی مانع شهریه دادن ایشان می‌شدند، لذا نفس نگهداری بیت امام برای ادامه انقلاب مهم بود... البته همه هم به آنجا نمی‌رفتند. اما آقای مولانا از کسانی بود که می‌رفت، در مجالس شرکت می‌کرد و طرفدار انقلاب و امام بود...

...اولین کسانی که در جهت کتابفروشی و نشر کتاب متناسب با حوزه گام برداشتند و دست به این اقدام مبارک زدند چند نفر بودند: آیت الله و حجت اسلام آقا سید عبدالحمید مولانا، حاج شیخ احمد آذری، آقای شیخ علی اصغر کنی، حاج شیخ مهدی حائری طهرانی رحمه الله علیه و حاج شیخ علی اصغر مروارید که در آن زمان خطیبی زبردست بود... اینها شاید دو خدمت را مد نظر داشتند: ۱- چاپ کتاب‌های لازم برای حوزه و فضلا و مبلغان به صورت خوب ۲- استقبال از نوشته‌های اساتید و فضلاء جوان که تازه دست به قلم شده بودند و نیاز شدید به این همکاری داشتند. گواه این مطلب فهرست انتشارات دارالفکر و نیز آن عزیزان است... مرحوم آقای مولانا از انقلابی‌های جدی و از علاقه‌مندان حضرت امام رضوان الله تعالی علیه بود و حجره (کتابفروشی) او محل رفت و آمد انقلابیون بود. دوستان آقای مولانا همه در اینکه به امام علاقه داشتند مشترک بودند... البته فرق ایشان با دوستان انقلابی این بود که آنها مانند ایشان مغازه نداشتند تا احساس خطر مالی کنند اما این عزیز در شرایطی بود که احتمال ضرر مالی هم برایش بود اما با این وجود این راه را ادامه داد و هزینه آن را هم که تبعید و گرفتاری و... بود تحمل کرد...

...مرحوم، حاج سید عبدالحمید مولانا، موسس انتشارات دارالفکر در این کار چندان ساده‌گیر و فارغ از تعهد نبود. این چند کلمه را بخصوص برای یادآوری ناشران به یاد ایشان به قلم آوردم، بخصوص که مرحوم مولانا در دوران اختناق شاهی که برخی از کتاب‌ها زمینه عرضه‌اش فراهم نبود، بعضی از کتاب‌های ناقابل این حقیر را به کسانی که طالب بودند می‌رسانید و نشر می‌داد. خداوند متعال ایشان را از زحمات و برکاتی که برای عالمان صالح و مولفان متعهد آماده فرموده است، بهره‌مند سازد...

...تار و پود وجودش به رسول خدا، علی و فاطمه (ع) پیوسته بود و از آنها نشات می‌گرفت و حامل نفخه‌ای از آن ارواح پاک بود. به همین جهت در سرتاسر عمرش، پیش از انقلاب عظیم خمینی بزرگ و بعد از آن یک سر مو از آن فاصله

خوب را معرفی کند تا برای سایر معلم‌ها انگیزه ایجاد کند. تعداد این معلم‌ها کم نیست و اگر در همه طول سال هم به آن بپردازیم باز کم می‌آوریم. با این وضع فعلی معلمی، چه کسی حاضر است فرزندش معلم شود؟ گاهی اینجا و آنجا دعوت می‌کنند تا شاید بتوانیم اقدامی برای بهتر شدن حال آموزش و پرورش انجام دهیم، اما دیگر انگیزه‌ای برای رفتن ندارم، ولی دلم برای وضعیت فعلی آموزش و پرورش خیلی می‌سوزد. این وزارتخانه انسان‌ساز، عملاً در حال وهوی سیاست و اقتصاد فراموش شده است. کارهایی هم که انجام می‌شود، نوعی وصله‌کاری است، در حالی که اصل و اساس و پیشرفت و توسعه، داشتن یک آموزش و پرورش کارآمد و بانشاط و جدی است.

منبع شرق

۱۳۷۵ در قم دیده از جهان فروبست در حالیکه حوزه‌های علمیه همچنان از خدمات وافر او بهره‌مند هستند. آنچه در ادامه مطالعه خواهید فرمود، خلاصه‌ای از نقطه نظرات برخی از علما و همسنگران او درباره خدمات ارزشمند وی است که در گفتگو با نشریه «حریم امام» (شماره ۲۸۹) بیان داشته‌اند. ایشان جزء طرفداران امام بود. آن موقع که چاپ رساله امام خمینی قدغن و قاچاق بود. کسی جرأتش را نداشت، ایشان رساله امام را منتشر و پخش می‌کرد. در اینکه آقای مولانا از ارادتمندان واقعی امام بود هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. گاهی هم گرفتاری برایش پیش می‌آمد (زندان و شکنجه) از جمله به خاطر همین چاپ رساله. هیچ توقعی هم از هیچ‌جا نداشت. خالصاً لوجه الله فعالیت می‌کرد... مسئولیت پخش رساله امام خمینی اهمیت دارد، این همه انتشارات وجود داشت ولی تنها کسی که قد مردانگی را علم کرده بود آقای مولانا بود...

...خدا جناب آقای مولانا را رحمت کند، من معتقدم بعضی‌ها همیشه در جامعه سهم بزرگی داشته و دارند. حالا هر کدام به شکلی، قدم‌ها و برنامه‌ها هریک با دیگری فرق می‌کند. درباره صنعت نشر و چاپ کتاب باید بگویم متأسفانه اکثر کارهای ما بدون برنامه‌ریزی است. کارهای سیستماتیک خیلی کم داریم... ما کسانی داشته‌ایم که خوب کار کرده‌اند، از جمله آنها جناب مرحوم آقای مولانا بود که واقعاً در این زمینه ید طولایی داشت و خدمت و کار بزرگی کرد... ایشان پنجاه سال قبل با آن کمی امکانات و وضع آن روز این مقدار کتاب چاپ کرد... من معتقدم آنها نسبت به شرایط و ابزار امروز بیشتر زحمت کشیده‌اند. نسبی می‌گویم. ممکن است ایشان بیست جلد چاپ کرده باشد و شما شصت جلد کتاب چاپ کرده‌اید، ما بیست جلد او مانند دویست جلد امروز است...

طبعاً ناشر وقتی می‌خواهد کتابی چاپ کند سعی می‌کند به سراغ افراد معروف برود. به هر حال با کتابفروشی ایشان آشنا بودم گاهی از درس برمی‌گشتم می‌رفتم در مغازه‌شان می‌نشستم و نیم ساعتی صحبت می‌کردیم... مغازه ایشان پاتوقی برای افراد

آموزش و پرورش موزه اختصاصی داشته باشد یا برای اولین بار پیشنهاد دادم آموزش و پرورش برای خودش روزنامه مخصوص داشته باشد، چون می‌دیدم دعوای سیاسی از طریق روزنامه‌ها به مدرسه می‌آید و اگر آموزش و پرورش خودش مجله یا روزنامه داشته باشد بیشتر به امور مربوط به معلم‌ها پرداخته می‌شود تا دعوای زیان‌بخش سیاسی. حتی رشته روزنامه‌نگاری برای آموزش و پرورش‌ها را به آقای نجفی توضیح کردم که تاسیس شود؛ چون تعداد نشریه‌ها در آموزش و پرورش کم نیست، ولی هیچ فردی را به صورت تخصصی در این رشته تربیت نمی‌کنیم. گفتیم در سال دوم رشته‌های تربیت معلم می‌توان برنامه‌ای برای آموزش رشته روزنامه‌نگاری برای دانش‌جویان مستعد داشت. آموزش و پرورش باید در همین رسانه‌هایی که خودش دارد، معلم‌های

ادامه از صفحه قبل

یکی از کتاب‌های معروف شما «معلمان خوب من» است که به جمع‌آوری خاطرات عده‌ای از بزرگان و معلمان خوبشان پرداخته‌اید. به نظر شما معرفی معلم‌های موفق تا چه اندازه می‌تواند انگیزه ایجاد کند و آیا در شرایط کنونی معلم‌ها در جایگاه واقعی خودشان قرار گرفته‌اند؟

من جزء معلمانی بودم که این شغل را خودم انتخاب کردم. جزء معدود معلم‌هایی هم هستم که از دوره ابتدایی تا تربیت معلم درس داشته‌ام. در شهرها و روستاهای مختلف و حتی خارج از کشور هم تدریس کرده‌ام. من در بیش از ۱۵۰ شهر و شهرستان کشور برای معلم‌ها می‌زگرد و سخنرانی داشته‌ام. طرح‌هایی هم داده‌ام که برخی مورد توجه قرار گرفته و عملیاتی شده و به برخی هم توجهی نشده است؛ مثلاً من معتقد بودم باید

نگاهی به مجموعه ده جلدی اسناد نهضت اسلامی ایران

غیرقابل انکاری را ایفا کردند.

حوزه علمیه قم از دو منظر در تاریخ انقلاب اسلامی قابل دقت و توجه است: نخست از منظر حقوقی و عنوان «حوزه علمیه» می باشد و بر همین اساس بخش مهمی از اسناد برجای مانده از نهضت اسلامی به نام حوزه علمیه قم منتشر گردیده است. از سوی دیگر از منظر حقیقی علما و روحانیون است که به نام حقیقی به امضای اعلامیه های روشنگر و مبارزه، مباردت می کردند.

حجت الاسلام والمسلمین استاد سید هادی خسروشاهی از فعالان فرهنگی. سیاسی پیشگام نهضت اسلامی در دوران قبل از انقلاب، علی رغم خطرات موجود، در اقدامی قابل تحسین و تقدیر به گردآوری اسناد تاریخ نهضت اسلامی پرداخته است. جلد سوم شامل اعلامیه ها و بیانیه هایی است که به امضای طلاب و فضایی حوزه علمیه قم در طول تاریخ نهضت اسلامی منتشر شده است. اسناد این مجلد که به ترتیب تاریخی تدوین گردیده است در حقیقت گاهشمار تاریخ نهضت اسلامی به روایت اعلامیه ها و بیانیه ها به حساب می آید...

جلد اول و دوم از مجموعه «اسناد نهضت اسلامی ایران» تحت عنوان «بعثت و انتقام» در ۵۳۲ صفحه منتشر شده است. «انتقام» و «بعثت» دو نشریه منحصر به فرد تاریخ نهضت اسلامی هستند. نشریه انتقام تا هشت شماره و نشریه بعثت تا چهارده شماره، علی رغم پیگرد و تعقیب ساواک منتشر شدند. هر دو نشریه داخلی حوزه علمیه قم بودند که نشریه انتقام را آیت الله محمدتقی مصباح یزدی می نوشت و منتشر می کرد و نشریه بعثت را آقایان هاشمی رفسنجانی، سید هادی خسروشاهی، علی حجتی کرمانی و سید محمود دعایی.

در این مجلد ابتدا محتویات چهارده شماره نشریه «بعثت» به چاپ رسیده است که در سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۴ و در دوران حاکمیت وحشت و خشونت و سانسور و خفقان رژیم شاهنشاهی و در شرایطی بسیار دشوار و در شکلی کاملاً مخفی، به عنوان نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم انتشار می یافت و به سهم خود توانست در آن دوران، رسالت مبارزاتی و انقلابی خویش را بر اساس ایدئولوژی خالص و فرهنگ ناب اسلامی ایفا کند.

دقت در مضامین مقالات این نشریه علاوه بر اینکه سطوری درخشان و برجسته از تاریخ انقلاب اسلامی میهن مان را روشن می سازد، خواننده را در فضای سیاسی. اجتماعی روزهای پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ قرار می دهد و او را با اهداف و آرمان های زنده و مترقی روحانیت اصیل و جوان اسلام و تشیع آشنا می کند. همچنین وی را در راستای شرایط دشوار و امکانات بسیار محدود مبارزاتی آن روزگار قرار داده و به درستی درمی یابد که چه افرادی، با چه اهداف و آرزوهایی و در چه شرایطی و با چه امکاناتی به پا خاسته و دامن همت به کمر زدند.

در بخش دوم از این مجلد، محتویات هشت شماره نشریه «انتقام»، دومین نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم به چاپ رسیده که از تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۴۳ / ۱۵ شعبان ۱۳۸۴، با استناد از آیه «والله عزیز ذوانتقام» شروع به انتشار نموده و تا تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۴۴ / ۷ جمادی الآخر ۱۳۸۵ انتشارش ادامه یافته است.

مجلدات بعدی «اسناد نهضت اسلامی ایران» به اعلامیه ها و بیانیه های علما و مدرسان و طلاب و محصلان حوزه علمیه قم و سپس اسناد و اعلامیه های مراجع عظام تقلید اختصاص یافته است.

اعلامیه ها و بیانیه هایی که در دوران نهضت اسلامی ایران صادر و منتشر شده اند، اسنادی تاریخی ارزنده و ماندگار درباره چگونگی پیدایش و



اقدام ارزشمند و ضروری، نیازمند کار جمعی و اقدام گروهی محققان و اهل تاریخ و علاقه مندان به کشف حقایق و شناخت اهداف نخستین و چگونگی آغاز مبارزه و مراحل تکاملی نهضتی است که نتیجه نهایی آن، پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بود.

بخشی از این اعلامیه ها در بعضی از کتاب ها، از جمله «نهضت روحانیون ایران» تألیف مورخ معاصر، مرحوم علی دوانی و مجموعه «اسناد انقلاب اسلامی» تهیه شده به همت مورخ دیگر جناب سیدحمید روحانی، آمده است و بخش دیگری در مجموعه چندجلدی اعلامیه های «جامعه مدرسین قم» نقل شده است؛ ولی مجموعه کنونی، اولاً فقط شامل اسناد نهضت اسلامی ایران (یعنی از آغاز نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی، در بهمن ۱۳۵۷) می باشد؛ ثانیاً جامع تر و کامل تر از بقیه آثار منتشر شده است و شامل همه اعلامیه های دیگری نیز هست که در آن مجموعه ها به هردلیلی، نیامده است.

سید هادی خسروشاهی

اسناد نهضت اسلامی ایران (ده جلدی)

با مقدمه و به کوشش: سید هادی خسروشاهی
نشر مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
چاپ اول: ۱۳۹۵

در مقدمه مرکز اسناد انقلاب اسلامی که در آغاز این مجموعه آمده، می خوانیم: «انقلاب اسلامی ایران که در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، دارای سه رکن رکن است: نخست رهبری حضرت امام خمینی (ره)، دوم ایدئولوژی اسلامی، و سوم مردم. عنوانی هم که انقلاب اسلامی را از سایر انقلابات جهان متمایز می کند، می تواند مشخص کننده ماهیت و رهبری آن باشد. در کنار رهبری بی بدیل حضرت امام که در پیروزی انقلاب اسلامی مهمترین نقش را داشت، بایست جایگاه علما و حوزه علمیه را مورد توجه قرار داد.

از سپیده دم شروع نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ حوزه علمیه قم به مهمترین کانون نهضت اسلامی تبدیل گردید. حوزه علمیه قم حلقه واسط علما و روحانیون و حضرت امام از يك سو و سراسر ایران از طرف دیگر بود. در واقع آموزه های نهضت اسلامی ایران توسط حوزه علمیه قم به سراسر ایران منتقل می گردید. ناگفته نماند آنچه در دوره نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی در حوزه علمیه مورد استفاده قرار گرفت، از موارث ارزشمند دوران زعامت آیت الله العظمی بروجردی بود. این دوره دوران شکوفایی حوزه های علمیه قم و احیای حوزه های علمیه در سراسر ایران بود. ضمن اینکه آیت الله العظمی بروجردی با اعزام وکلای خود به سراسر ایران، شبکه گسترده وکالت ایجاد کرد که در گسترده گی و همگانی شدن نهضت اسلامی نقش

و عده دادند؛ اما هیچ وقت نتوانستند به وعده خود عمل کنند!

بی تردید خلوص نیت افراد و رعایت اصول مخفی کاری توسط همه برادران و دست اندرکاران تهیه و تنظیم و نشر «بعثت» و «انتقام» و اعلامیه ها، که در آن روزگار شامل حال همه افراد بود، عامل اصلی این توفیق و امداد الهی و یاری و پشتیبانی حق تعالی بود.

بی مناسبت نیست که در این یادداشت کوتاه برای ادای دین اخلاقی، یادآور شوم که این اسناد که حفظ آنها به پنهان کاری ویژه و دقیق نیاز داشت، نخست در منزل مرحوم ابوالفضل طهماسبی. مدیر هفته نامه ای که به نام «استوار» در قم منتشر می گردید و نسبت سببی با این جانب داشت. نگهداری می شد و چون نامبرده به خاطر شغلی که داشت، با دوایر دولتی بی ارتباط نبود، همین امر را باید عاملی در مورد سوءظن قرار نگرفتن محل و در نتیجه محفوظ و مصون ماندن اسناد، از گزند بازرسی های منازل توسط ساواک، به شمار آورد.

پس از گذشت مدت طولانی و به دنبال تذکار یکی از منسوبان نزدیک، چون احتمال می رفت که تردد مکرر این جانب به منزل مرحوم طهماسبی. که در کوچه ای مقابل «مسجد امام» قم قرار داشت. موجب سوءظن مأموران و کشف و ضبط اسناد گردد، در یک اقدام ضربتی و جسورانه، در نیمه شبی، همه پرونده ها و پوشه های مربوطه را از آن خانه امن به یک «دفتر امن» که کتابخانه مجله «مکتب اسلام» در ساختمان دارالتبلیغ اسلامی بود، منتقل کردم که این بار، رفت و آمد مکرر من به آن محل، چون عضو هیأت تحریریه مجله «مکتب اسلام» بودم، قاعداً موجب سوءظن واقع نمی گردید!

البته بنده در این مورد هم برای حفظ موازین شرعی و اخلاقی، به طور مستقیم از متولی محترم آن محل و یا نهاد، استجازه کرده بودم و ایشان با یک شرط شرعی «عدم اطلاع هیچ يك از اعضای مجله و مسئولان کتابخانه» آن را پذیرفته بودند و من پس از پذیرفتن این شرط و به دنبال اعلام موافقت ایشان، در پشت یکی از قفسه های کتاب در کتابخانه که گنجهای خالی وجود داشت، جاسازی کردم و همه اسناد را در آن گنجه و درون چندین کارتن جای دادم. و سپس و بدون نگرانی دائمی از کشف امر، در اوقات عدم حضور مدیر کتابخانه حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای علوی کاشانی. از دوستان نزدیک مرحوم شیخ رضا گلبرخی کاشانی. علاوه بر مجموعه اعلامیه های قبلی، اعلامیه های جدید را هم به محض انتشار، به آنجا منتقل می کردم و در محل جاسازی شده قرار می دادم.

به هر حال محافظت طولانی مدت از این اسناد با آن همه مشکلات و نگرانی ها، کار آسانی نبود، ولی یاری حق، این اسناد را از دسترسی دشمن و گزند حوادث محفوظ نگه داشت که اینک در شکل مجموعه ای و در چندین جلد، به تدریج در اختیار اهالی تاریخ، قرار داده می شود.

پس از آماده سازی و چاپ و نشر دو مجموعه نخستین اسناد، که از سوی ما و دوستان معظم در حوزه علمیه قم، تحت عنوان «بعثت» و «انتقام» (نشریه های مخفی طلاب حوزه علمیه) منتشر می گردید و اتفاقاً نسخه های کامل آنها هم به طور انحصاری، در آرشیو حقیر نگهداری می شد، اینک مجموعه این اسناد، به دست چاپ سپرده می شود...

هدف اصلی ما از این اقدام، حفظ و نگهداری «اسناد نهضت اسلامی ایران» است و قصد ارزیابی و تجزیه تحلیل و بررسی آنها را نداریم که این

مقدمه: بی تردید هیچ تحول اجتماعی و انقلاب سیاسی در هیچ کشور و جامعه ای، بدون مقدمه و سابقه به وجود نمی آید و در واقع علل و عوامل گوناگونی در پیدایش و پیروزی و موفقیت هر تغییر یا انقلابی، نقشی اساسی و تأثیرگذار به عهده دارند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران از این قانون کلی مستثنی نیست و باید گفت که آغاز نهضت اسلامی و مبارزات پیگیر و پرهزینه مردم مسلمان ایران، به رهبری علما و مرجعیت شیعه، و در طلایع آنان امام خمینی (ره)، زمینه ساز این پیروزی بود؛ یعنی آغاز مبارزات رسمی و علنی روحانیت از خرداد ۱۳۴۲، پیشگام و طلایع يك دوره طولانی در این راستا بود که نام این برهه از زمان را باید دوران «نهضت اسلامی» گذاشت که عامل عمده تداوم و ابزار اصلی استمرارش صدور اعلامیه های مراجع عظام و علمای بلاد همگام با سخنرانی های علمای محترم و شخصیت های برجسته و وعاظ و دیگر اهل خطابه در سراسر کشور بود.

اعلامیه ها و بیانیه هایی که در این دوران صادر و منتشر شده اند، در واقع اسنادی تاریخی، ارزنده و ماندگار، درباره چگونگی پیدایش و استمرار و تکامل مبارزه روحانیت و مردم در نهضت اسلامی ایران به شمار می روند که با بررسی و تحلیل محتوای آنها، می توان تاریخ پیدایش و تکامل و حقیقت هدف نهضت را به دست آورد و چگونگی آن را مورد ارزیابی و سپس مورد داوری منصفانه و منطقی قرار داد.

این جانب به علت حضور فعال و شرکت عینی و همه جانبه در امور نهضت، از جمله در تنظیم و تهیه بخشی از اعلامیه های فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، و در مواردی جمع آوری امضای اساتید و فضلا و طلاب در ذیل اعلامیه ها و یا با تکثیر، توزیع و پخش بسیاری از اعلامیه های مراجع و علمای عظام و فضلا و طلاب حوزه علمیه قم و همچنین علمای دیگر بلاد، در واقع همیشه در جریان امور بودم و همزمان و همواره به محض انتشار اعلامیه ها، دو نسخه از آنها را اخذ و در بایگانی شخصی و خصوصی خود نگهداری می کردم که اکنون برای ثبت در تاریخ و حفظ میراث تاریخی اسناد نهضت اسلامی ایران، همه آنها در مجموعه ای ده جلدی تحت عنوان «اسناد نهضت اسلامی ایران» چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

البته تعدادی از این اعلامیه ها و بیانیه ها، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توسط بعضی از پژوهشگران و تاریخ نگاران یا نهادهای سیاسی. تاریخی منتشر گشته و در کتاب های مربوط به تاریخ حوادث معاصر و خاطرات شخصیت های تأثیرگذار در پیشبرد اهداف نهضت و به تناسب، نقل شده است؛ اما به نظر می رسد که اسناد جمع آوری شده توسط این جانب جامع ترین و کاملترین اسناد باشد؛ چرا که تعدادی از آنها حتی در پرونده ها و بایگانی موجود در ساواک یا اطلاعات شهربانی هم وجود نداشته و به دست نیامده است.

البته نگهداری این اسناد در آن شرایط بحرانی و خفقان همراه با سایه سنگین تعقیب و مراقبت های ویژه شهربانی و «ساواک قم» کار آسانی نبود؛ اما به یاری خداوند، به رغم بازداشت ها و بازجویی های مکرر از عناصر وابسته و خود حقیر و پیگیری های مستمر مأموران رژیم در این زمینه، آنها هرگز نتوانستند عاملان و مسئولان اصلی و یا حتی محل نگهداری و تکثیر اعلامیه ها و دستگاه های تایپ و پلی کپی را کشف و ضبط کنند و همواره در گزارش های جعلی خود، مسئولان «مرکز» را سرگرم ساختند و نزدیکی «وصول به هدف» را به آنها

منظومه فکری

حضرت آیت الله خامنه‌ای

مهر: عبدالحسین خسروپناه، رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و نویسنده اثر فاخر «منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای» در مراسم رونمایی این کتاب که در همایش «زعیم ذوفنون» برگزار شد، گفت: این کتاب در دو جلد تدوین شده است و تدوین آن دو سال و چاپ آن شش سال به طول انجامید.

وی گفت: بنده یک سال تمام وقت مجموعه فرمایشات آقا را جمع کردم که مجموعه بسیار وسیعی جمع شد و به یک ساختار نظام‌مندی رسیدیم. وقتی مدخل‌ها معین شد به محققان رجاع داده شد تا تحقیقات انجام شود.

حجت الاسلام والمسلمین خسروپناه افزود: این کتاب چهار بخش دارد؛ در بخش اول جهان‌بینی و بحث‌های بینشی مقام معظم رهبری و نگاه کلان رهبر انقلاب در حوزه جهان‌بینی مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دوم نظام منشی است که مباحث اخلاقیات و معنویات در آن مطرح می‌شود. در بخش سوم به نظامات اجتماعی پرداخته‌ایم. نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، دفاعی و... در این بخش قرار می‌گیرد. در بخش چهارم اهداف اجتماعی اسلام از منظر مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفته که مباحثی مانند آزادی، عدالت، پیشرفت و تمدن را شامل می‌شود.

رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه ایران گفت: اندیشه مقام معظم رهبری اندیشه‌ای اجتهادی است. یعنی در هر بحثی که ایشان وارد شده‌اند دقیقاً با روش اجتهادی بحث کرده‌اند. من یک ادعا در اندیشه رهبری ندیده‌ام که ذوقی باشد. نکته دوم اینکه شخصیت‌هایی مانند حضرت آقا چون شخصیت‌های جامعی هستند سخنانشان نظام‌مند است و اجزای آن یکدیگر را تکمیل می‌کنند. مثلاً کسی بخواهد همه نظامات اجتماعی را بداند باید نظام فرهنگی رهبری را ببیند چون روح نظامات اجتماعی در نگاه رهبری، فرهنگ است.

وی با بیان اینکه روح اصلی حاکم در منظومه فکری رهبری توحید است، گفت: توحیدی که رهبری بیان می‌کنند در مباحث دیگر مانند ولایت، دین‌شناسی، اخلاق و... جریان دارد. توحید نباید در عرصه کلامی حبس شود، توحید باید به عرصه سیاست بیاید. توحید را نباید یک عقیده بیینیم بلکه باید در رفتار و کنش هم حضور بیاید.

وی افزود: روح منظومه فکری آقا توحید است و رکن این منظومه مردمند و غایت آن تمدن نوین اسلامی است که می‌خواهد برای ظهور زمینه‌سازی کند.

خسروپناه گفت: ویژگی چهارم اندیشه فکری و اجتماعی رهبری استمرار و تکامل بخشی منظومه فکری امام است. از حسنات حضرت امام (ره) این بود که رهبری فرزانه تربیت کرد که دقیقاً همان نظام بینشی و نظام منشی و نظام کنشی امام را استمرار بخشید.

وی ادامه داد: در منظومه امام، مباحث فلسفی پررنگ‌تر است و در منظومه آقا مباحث راهبردی پررنگ‌تر است. حضرت آقا مؤسس فقه احکام راهبردی است. ما غیر از فقه احکام رفتاری دارای فقه احکام راهبردی و نهادسازی هستیم. وقتی آیت الله شاه‌آبادی شرکت‌های مخمس را پیشنهاد می‌دهند در واقع با کمک فقه نهادسازی می‌کردند. برخی متفکران فقط بر مبانی بسنده می‌کنند و بحث‌های آنها کاربردی نیست. دکتر خسروپناه در پایان گفت: نظام فکری

رهبری هم مبنا دارد و هم این مبنا به عرصه‌های کاربردی و راهبردی سرایت می‌کند. اندیشه رهبری تنها به مبانی و راهبردها هم بسنده نکرده بلکه به نهادها و ساختارها هم پرداخته است. اگر احکام رهبری را در نصب نهادهای مختلف ببینیم پیوند مبنا و راهکار و راهبرد قابل مشاهده است.

تمامی مراحل و مقاطع نهضت نه تنها با آن همگام بودند، بلکه با ایراد سخنرانی‌ها و صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعدد و ارسال نامه‌های بسیار به علمای بلاد، شاگردان و علاقه‌مندان خود را هم به همکاری و همراهی جدی با نهضت اسلامی، ترغیب و تشویق می‌نمودند.

جلد نهم «اسناد نهضت اسلامی ایران» که در ۲۲۶ صفحه عرضه شده، شامل بخشی از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های آیت الله سید صادق روحانی است که در نشر آنها برای روشن شدن زوایای تاریخ معاصر کاملاً ضروری است. این مجلد در برگزیده اعلامیه‌های ایشان از سال ۱۳۴۱، در مخالفت با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تا سال ۱۳۵۸، در ترغیب مردم به شرکت در همه‌پرسی قانون اساسی و رأی مثبت به آن می‌باشد. در بخش آخر این مجلد، ملحقات، نمونه‌هایی چند از نامه‌های امام خمینی (ره) به ایشان نقل می‌شود که هر کدام به نوبه خود سندی تاریخی است که اهمیت ویژه‌ای دارند.

رژیم پهلوی در صدد بود تا چنین القا کند که راه مراجع و حوزه علمیه از مسیر امام خمینی متفاوت است و می‌کوشید آنها را در مقابل هم قرار دهد، ولی هوشیاری مراجع ثلاث در این برهه و حمایت همه جانبه آنان از امام خمینی (ره) نقشه رژیم را نقش بر آب کرد. مراجع ثلاث قم با دستگیری و حبس و سپس تبعید امام خمینی، با ایراد سخنرانی‌ها و صدور اعلامیه‌ها و در مواقعی نیز با اقداماتی عملی نظیر مهاجرت به تهران در جریان دستگیری امام، هدایت نهضت را در غیاب امام برعهده گرفتند و با حمایت عملی از ایشان، صف روحانیت شیعه را از آسیب‌ها و رخنه‌های احتمالی حراست کردند.

دهمین جلد از مجموعه «اسناد نهضت اسلامی ایران» که در ۴۵۳ صفحه به چاپ رسیده، شامل اعلامیه‌ها، نامه‌ها، تلگرام‌ها، بیانیه‌ها و بعضی از مصاحبه‌های مراجع ثلاث قم، آیات عظام: سید محمدرضا گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، سید شهاب الدین مرعشی نجفی. در دوران حوادث پرشتاب نهضت، از آغاز تا پیروزی است. هدف از جمع‌آوری و نشر اسناد جلد دهم مجموعه، مانند مجلدات نه‌گانه پیشین، ثبت وضبط اسناد شخصیت‌ها و مراجعی است که هر کدام در زمان خود به نحوی در تبیین اهداف و پیشبرد نهضت نقش داشتند.

لازم به ذکر است این مجموعه، دو جلد دیگر - تکمیلی خواهد داشت که شامل اعلامیه‌ها و تلگرام‌ها و نامه‌های مراجع عظام نجف اشرف، مشهد مقدس و علمای بزرگوار دیگر بلاد است که به زودی، به عنوان جلد ۱۱ و ۱۲ منتشر خواهد شد.

منبع: روزنامه اطلاعات - شماره ۲۶۸۴۴

مورخ سه شنبه ۲۵ مهر ۱۳۹۶

و پیداشدن آنها در منزل مبارزان جرم سنگینی بود. ***

مجلد پنجم و ششم و هفتم از مجموعه «اسناد نهضت اسلامی ایران» حاوی اسناد مبارزات امام خمینی (ره). اعلامیه‌ها و بیانات امام خمینی. است. جلد پنجم که در ۴۹۰ صفحه منتشر شده، از ۱۳۲۳ تا ۱۵ شهریور ۱۳۵۷ را شامل می‌شود و مجلد بعدی که در ۴۶۶ صفحه عرضه شده، از ۱۸ شهریور تا ۲۱ آبان ۱۳۵۷ و جلد هفتم که در ۴۵۰ صفحه و با بهای ۲۰ هزار تومان منتشر شده، از ۲۲ آبان ۱۳۵۷ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را شامل می‌شود.

آیت الله سید عبد الله شیرازی با شروع نهضت اسلامی امام خمینی (ره) در حمایت از نهضت اعلامیه‌هایی علیه «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و تصویب «لوايح شش‌گانه» صادر نمود و پس از آن در جریان حمله به فیضیه نیز این فاجعه را به علمای ایران گوشزد کرد. همچنین در جریان قیام ۱۵ خرداد بیانیه مفصلی پیرامون حکومت ضد دینی شاه، خطاب به ملت‌ها و دولت‌های مسلمان صادر نمود. ایشان علاوه بر ایران، به سرنوشت سایر نقاط جهان اسلام نیز حساسیت نشان می‌داد، به طوری که تجاوزات صهیونیسم را در اقصی نقاط جهان محکوم کرده و تلگراف‌هایی به سران رژیم طاغوت در اعتراض به همکاری با رژیم اشغالگر قدس مخابره می‌کرد. همچنین در جریان پیروزی انقلاب اسلامی در اعتراض به کشتار مردم در وقایع مختلف به رژیم اعتراض و اعلامیه‌هایی صادر کرد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حساسیت خاص یک مرجع دینی، روند امور انقلاب و نظام را پیگیری می‌نمود. ***

جلد هشتم از این مجموعه که در ۵۸۶ صفحه به چاپ رسیده، شامل اعلامیه‌ها و نامه‌های آیت الله شیرازی است که هر کدام از آنها در جای خود سندی تاریخی محسوب می‌شود و گوشه‌ای از تاریخ نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی را روشن می‌کند. این مجلد در هشت بخش با عناوین زیر سامان یافته است: حوادث و رویدادهای انقلاب اسلامی و بعد از آن، مکاتبات با امام خمینی، مکاتبات با مراجع تقلید، مکاتبات با مسئولین نظام جمهوری اسلامی، دفاع مقدس، شیعیان رانده شده و علمای عراق، مسائل لبنان و امام موسی صدر، مسائل سایر کشورهای اسلامی.

آیت الله سید محمد صادق حسینی روحانی از جمله مراجع و علمای عظام در تاریخ نهضت اسلامی تا پیروزی انقلاب است که به موازات انجام وظایف تدریس و تربیت طلاب و تألیف کتب فقهی، مبارزات بی‌امان و سیاسی خود را بر ضد نظام فاسد سلطنتی، از سال ۱۳۴۱ آغاز کردند. ایشان در

استمرار و تکامل مبارزه روحانیت و مردم ایران به شمار می‌روند که با بررسی و تحلیل محتوای آنها، می‌توان تاریخ پیدایش و تکامل و حقیقت هدف نهضت را به دست آورد و چگونگی آن را ارزیابی نمود و سپس مورد داوری منصفانه و منطقی قرار داد.

جلد سوم و چهارم این مجموعه که در ۸۱۲ صفحه عرضه شده، شامل اعلامیه‌ها و بیانیه‌های فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه» در دوران نهضت اسلامی است که بخشی از آنها که با امضاها یا مشخص افراد منتشر شده‌اند، در یک جلد (جلد سوم) و بخش دیگری که تحت عناوین و امضاها کلی و مختلف، از جمله، حوزه علمیه قم، جامعه مدرسین، علمای مبارز، جامعه محصلین، طلاب قم، دانشجویان حوزه علمیه قم، مجمع روحانیون مجاهد، هیأت مدرسین، روحانیون مبارز قم، نهضت روحانیت، روحانیون مترقی قم و... منتشر شده‌اند، در یک مجموعه دیگر (جلد چهارم) انتشار می‌یابد.

در بخش پایانی جلد سوم متن اعلامیه‌ای هم که در سال ۱۳۷۷ق و با امضای سید هادی خسروشاهی درباره تحریم معامله با بهائیان و پیسی کولا، با استناد به فتوای آیت الله بروجردی، مرجع عالیقدر وقت و علمای عظام دیگر منتشر شده بود، به عنوان پیوست، نقل می‌شود که در واقع نخستین اعلامیه‌ای بود که از سوی طلبه‌ای در حوزه علمیه قم و قبل از آغاز نهضت منتشر گردیده بود که البته به نوبه خود اثر مثبت و فراوانی در سراسر کشور داشت که شرح آن در کتاب‌های مختلف مربوط به تاریخ معاصر آمده است.

اعلامیه‌ها و نامه‌های امام خمینی در جریان نهضت و انقلاب اسلامی روشنایی بخش بسیاری از حوادث و تبیین‌گر ابعاد گوناگون مبارزه ملت ایران است. امام که از سال ۱۳۴۳ در تبعید به سر می‌برد، به هیچ وجه از حوادث داخل ایران غافل نبود و از طریق شبکه‌ای از یاران و شاگردان خویش در جریان اقدامات و فعالیت‌های رژیم پهلوی قرار می‌گرفت. بالطبع این دوران، دوره کادرسازی و تربیت مبارزان مکتبی بود که امام به انحای مختلف به آن می‌پرداخت. امام در دوران تبعید، در قبال اعمال رژیم ساکت نبود و به مناسبت‌های مختلف، نظرات خود را مکتوب نموده، از طریق یاران خویش به اطلاع مردم ایران می‌رساند. محتوای این اعلامیه‌ها شرح اقدامات رژیم در ابعاد مختلف و افشای ماهیت این اقدامات و ارائه روشنگری در قبال آنهاست. به طوری که رژیم به اعلامیه‌های امام خمینی حساسیت ویژه‌ای داشت

دیپلماسی وحدت اسلامی؛ مهم ترین ضرورت میان مذهبی در پساداعش

ادامه از صفحه اول

در تبیین مفهوم بازی های زبانی می توان گفت «متن پهنه بازی های زبانی بیشمار است. معنا در این بازی ها نقش سازنده ای ندارد، قاعده ای است که هر بازی ارائه می کند. یک بازی متن آن است که مؤلف خواسته و پیش کشیده، بازی دیگر آن است که مخاطبی مطرح میکند، بازی سوم را مخاطب سوم پیش می کشد که نیتی فرضی را به مؤلف نسبت میدهد، از این رو نه بازی مؤلف به معنا می رسد... و نه بازی متن به معنا می رسد. نه بازی مخاطب و نه هیچ بازی دیگری. از این رو نباید آن معنا را جدی گرفت، و نباید به آن بسنده کرد. نباید آن را به راستی معنا پنداشت... زیرا زیانمان شفاف نیست،... ما فقط می خواهیم و می توانیم با مفاهیم و زبان بازی کنیم و معناها را بسازیم. اما نباید آن ها را آن قدر جدی بگیریم.

حال با این تفاسیر نباید به وعده و وعیدهای قدرت های غربی در فضای پسا داعش که خود حامیان اصلی تروریسم به شمار می آیند دل خوش

بود؛ زیرا اختلاف افکنی در میان جوامع اسلامی راهبرد ثابت این قدرت های شیطانی است، لذا باید با عنصر علوم انسانی اسلامی به سراغ جهان اسلام رفت که در این زمینه جایگاه دانشگاه مذاهب اسلامی در تقویت دیپلماسی وحدت برای برون رفت از فتنه انگیزی دشمنان وحدت امت اسلامی راهبردی است.

دیپلماسی وحدت اسلامی؛ مهمترین ضرورت میان مذهبی در پساداعش

بی تردید نقش بی بدیل دانشگاه مذاهب اسلامی به عنوان بزرگترین منبع دانش ساز میان فرهنگی و میان مذهبی در ایجاد دیپلماسی علمی، فرهنگی و سیاسی بر مبنای دانش شناسی مذاهب اسلامی در فضای پسا داعش به شدت خود نمایی می کند. از سوی دیگر نباید فراموش کرد ضرورت بهره گیری از آموزه های وحدت بخش فقه مذاهب اسلامی برای جلوگیری از نفوذ آموزه های سلفی و تکفیری (اسلام جنگ طلب) در امت اسلامی به شدت احساس می شود.

از این رو رسالت دانشگاه مذاهب اسلامی در عصر پسا داعش، بسط و گسترش عقلانیت سیاسی و تبیین مردمسالاری دینی و مردم محوری است که در نهایت به عقلانیت عرفی در چارچوب محبت و همگرایی امت اسلامی و نفی سکولاریسم و لائیسزم منتهی خواهد شد.

هم چنین تبیین چارچوب فقهی امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد مقارن در جوامع اسلامی بی تفاوتی نسبت به ارزش های انسانی را بر نمی تابد و اینگونه اصل ارتباطات دانشی میان مذاهب اسلامی، از هنجار شکنی و رادیکالیسم اجتماعی (جریانات تکفیری) در امت اسلامی جلوگیری می کند.

بدین ترتیب رسالت حقیقی دانشگاه مذاهب اسلامی با رویکرد های مختلف ارتباطات دانشی و فقه میان مذهبی تحقق یافته و افراط (هنجار شکنی وهابیت) و تفريط (ظلم پذیری) را ریشه کن خواهد کرد و شکوه وحدت امت اسلامی را دربره زمانی پساداعش محقق خواهد ساخت.

آیت الله محمدعلی گرامی استاد برجسته حوزه علمیه قم در برنامه بزرگداشت سالگرد ارتحال علامه طباطبایی که در دارالقرآن علامه طباطبایی برگزار شد، با اشاره به ابعاد شخصیتی مرحوم علامه گفت: این شخصیت بزرگ دارای لطافت روح، ادب و تواضع ویژه‌ای بودند و حتی نسبت به امور جزئی توجه داشتند.

وی افزود: اخلاق و تدبیر در وجود ایشان موج می‌زد و نسبت به همه اطرافیان خود توجهات لازم را داشت، علامه طباطبایی روحیه شوخ طبعی نیز داشتند و به اطرافیان خود روحیه می‌دادند، تواضع ایشان به اندازه‌ای بود که هیچگاه امام جماعت را تقبل نمی‌کردند و همواره پشت سر دیگران نماز می‌خواندند.

آیت الله گرامی با بیان این که علامه طباطبایی در بعد علمی نیز جایگاه ویژه‌ای داشتند، اظهار داشت: ایشان همواره از پیشنهادات جدید در مباحث علمی استقبال می‌کردند و شاگردان ایشان نگران اظهار نظرات خود نبودند.

وی ادامه داد: آزادمنشی، تواضع علمی و اخلاقی و آزاد بودن ابراز تفکر شاگردان از ویژگی‌های علامه طباطبایی بود، علامه در ابتدا که به قم مشرف شدند براساس روال متعارف فقه و اصول را آغاز کردند اما بعد از مدتی فرمودند فقه و اصول را دیگران می‌گویند اما جای بحث‌های تفسیری و عقلی در حوزه خالی است.

آیت الله گرامی با بیان این که علامه طباطبایی بر مساله تدریس فلسفه و تفسیر اهتمام داشتند، ابراز داشت: ۴ علم وجود دارد که با یکدیگر نقاط مشترکی دارند و شامل تفسیر، فروع لغت، فلسفه و

اصول می‌شود.

وی عنوان کرد: فلسفه، تحلیل مفاهیم عرفی است که هستی، عدم، علت، معلول و امثال آن را معنا می‌کند، همین تحلیل در فروع لغت، اصول، مباحث الفاظ و تفسیر انجام می‌شود.

وی افزود: علامه طباطبایی اهتمام ویژه‌ای در مدت بیست سال برای نگارش تفسیر قرآن داشتند به طوری که می‌فرمودند در نماز واجب به ضرورت اکتفا می‌کنم تا تفسیر تمام شود.

استاد حوزه علمیه قم خاطرنشان کرد: علامه طباطبایی برای نشر معارف اسلامی و اهل بیت (ع) تلاش بسیاری داشتند، علامه به تفسیر قرآن کریم اهمیت ویژه دادند و از درس تفسیر و فلسفه ایشان شاگردان بسیاری بهره بردند.

وی اضافه کرد: زیاد شنیده می‌شود که افرادی با فلسفه مخالفت می‌کنند و این مساله در زمان علامه طباطبایی نیز وجود داشت تا حدی که ایشان درس اسفار را تعطیل کردند و به پیشنهاد برخی بزرگان به جای آن به تدریس شفای بوعلی سینا پرداختند.

آیت الله گرامی با بیان این که ذهن بشر، ذهنی جستجوگر است و می‌خواهد همه چیز را بفهمد، گفت: از جمله مسائلی که بشر دوست دارد بفهمد درباره اساس هستی، نظام حاکم بر هستی و قوانین حاکم بر نظام هستی است، بشر می‌خواهد بداند که وجود و عدم چیست و اصل وجود از کجا است، در متون مذهبی ما مطالب حکمی زیاد است لیکن بصورت مدون نیست چنانکه روایات فقهی و اخلاقی هم زیاد داریم لیکن تا مدون نشده بود،

بزرگداشت سالگرد ارتحال علامه طباطبایی:

تفسیر المیزان، آبروی شیعه

استفاده کاملی نمی‌شد.

وی افزود: تنها علمی که متصدی این موضوع می‌شود فلسفه است و هیچ علم دیگری وارد این مسائل نشده است، علم کلام تا حدودی وارد این مساله شده اما کلام بحث آزاد درباره هستی و نظام آن نیست بلکه مقید به شریعت می‌شود، فلسفه بحث آزاد عقلانی است، حال اگر در میان فلاسفه افرادی هستند که اقوال آن‌ها مطابقت با شریعت

ندارد نمی‌توان اصل فلسفه را نادرست دانست، حتی در فقه نیز افرادی داریم که عقایدی بر خلاف شریعت دارند.

استاد حوزه علمیه قم با بیان این که حرکت استکمالی انسان ادامه دارد و بشر متوقف نمی‌شود، اظهار داشت: صرف این که فیلسوفی برخی مسائل را به گونه‌ای دیگر معنا کرد دلیل نمی‌شود که با اصل فلسفه مخالفت شود.

وی با اشاره به فشارهای بسیار در زمان تدریس فلسفه علامه طباطبایی بر ایشان، افزود: زمانی که علامه اسفار را تدریس می‌کردند فشارهایی از مشهد و نجف به حوزه علمیه قم و زعمی آن یعنی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی وارد می‌شد، مرحوم آیت الله بروجردی علامه طباطبایی را احضار کردند، و پس از گفتگو با ایشان اذعان داشتند که من خودم زمانی در اصفهان تدریس اسفار داشتم اما الان فشارهایی وجود دارد و شما اگر می‌خواهید فلسفه را ادامه دهید به جای اسفار، از کتاب شفا استفاده کنید.

آیت الله گرامی اظهار داشت: تفسیر مرحوم علامه طباطبایی را باید به صورت ویژه مدنظر قرار داد چرا



با دکتر منوچهر صدوقی سها

عاشق انسان‌ها



می‌کردند. بقالی که در نزدیکی منزل قدیمی ایشان در میدان خراسان دکان داشت، در خاطره‌ای که از تلویزیون هم پخش شد، تعریف کرد: روزی مرحوم علامه به بقالی او می‌رود و خریدهایش زیاد می‌شود به گونه‌ای که خودش نمی‌تواند آنها را به منزل ببرد. قرار می‌شود شاگرد بقال آنها را به خانه ایشان ببرد. خریده‌ها را داخل جعبه‌ای می‌گذارند، وقتی شاگرد بقال می‌خواهد، جعبه را روی سر خود بگذارد، علامه می‌بیند که سر شاگرد من ندارد و کچل است، عمامه خود را از سر برمی‌دارد و روی سر او می‌گذارد تا جعبه به سرش آسیب نزند! خودم یادم هست که روزی ایشان سوار ماشین من بود و در مسیری می‌رفتیم، بنا به مقتضیات وارد خیابانی یکطرفه شدم. ایشان از من پرسیدند: خلاف می‌روی؟ گفتم: بله، مجبور شدم! ایشان مرا مورد نکوهش قرار داد و گفت: شما که قاضی هستی و قانونگذار نباید خطا کنی. ایشان خطا کردن از هیچ کسی را نمی‌پذیرفت و به همان میزان نیز به خودش سخت می‌گرفت به همین دلیل شخصیتی بسیار منزه داشتند.

پدرها برای انتخاب داماد سختگیری‌هایی دارند، شما را چگونه انتخاب کردند و چندمین داماد خانواده علامه هستید؟

اتفاقاً انتخاب من زیاد سخت نبود و خیلی زود وصلت سرگرفت! پنجمین داماد بوم و بعد از من یک داماد دیگر هم به جمع خانواده اضافه شد. ایشان سه پسر هم داشتند. سه تا از دخترها و دو تا از دامادها فوت کرده‌اند.

وقتی منضبط باشی، زندگی خوب و مفیدی نیز خواهی داشت.

در زندگیتانم ایشان نوشته شده که پدرشان نانوا و بسیار سختکوش بودند، آیا بزرگ شدن در کنار چنین پدری تأثیری در روند زندگی علامه جعفری داشته است؟

معتقدم خیلی چیزها به ذات آدم‌ها بستگی دارد، ایشان ذاتاً منضبط و اهل مطالعه و پژوهش بود. ذهنشان بسیار فعال و تحلیلگر بود. یکی از نوابغ روزگار ما بود.

مفسر مثنوی معنوی هستند و بسیار تحت تأثیر عرفان مولانا بودند، از این علاقه برایمان بگویید؟

به گمانم علامه آن قدر درباره تفکر و عرفان مولوی تحقیق کردند که خودشان به مولوی ثانی تبدیل شدند. انس بسیار زیادی با مولوی داشتند و ذکر ایشان بعد از حضرت علی (ع)، ابیات ملای روم بود.

سختخور خوبی بودند و آن طور که شنیده‌ایم در جمع خانواده هم بیان شیرین ایشان طرفداران زیادی داشته است؟

بله! بسیار گرم زبان بودند. آدم‌های ممتاز، یک چهره دارند، برعکس آدم‌های ضعیف که بر حسب مقتضیات چهره عوض می‌کنند! بیرون و درون علامه به یک شکل بود، همان طنزپردازهای و خوش‌بینانی که در سخنرانی‌های رسمی داشتند در جمع خانواده هم همان بودند زبان و عمل‌شان یکی بود. هرچه به زبان می‌آوردند، عملی هم

که قبل از آن در شیعه، تفسیری به متد عقلانی، تحقیقی و تحلیلی نداشتیم، در اهل تسنن کتاب فخر رازی وجود داشت اما در شیعه نبود که علامه بسیار زحمت کشیدند و با این تفسیر به شیعه آبرو دادند.

وی ادامه داد: متأسفانه در همین حوزه علمیه با علامه طباطبایی برخورد خوبی نشد و به حدی فشار زیاد شد که علامه در جلد دوم تفسیر ناچار شدند که تقریظ شیخ الازهر و مرحوم آیت‌الله شریعتمداری را بیاورند و این کار برای این بود که از فشار دیگران قدری بکاهند.

استاد حوزه علمیه قم ابراز داشت: خوشبختانه این مشکلات رفع شد و حوزه به آزاد منشی دست پیدا کرد و امیدواریم که همه از این آزاد منشی حراست کنند، حوزه علمیه باید قدر دان چنین شخصیت‌هایی بوده و در نشر معارف الهی کوشا باشند، علامه طباطبایی با تدوین کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم خدمت شایانی کردند و تا آن زمان مجموعه مدونی که نسل نو بتواند درباه فلسفه بفهمد، نداشتیم.

وی عنوان کرد: امروز هم نیازمند تحقیقات خوب فلسفی هستیم، گاهی مطالبی نوشته می‌شود اما جنبه خطایی دارد، باید بیش از این‌ها تحقیق شود.

آیت الله گرامی در پایان خاطرنشان کرد: علامه طباطبایی در بعد تفسیر قرآن به شیعه آبرو دادند و سبب نشر معارف شیعی و اهل بیت (ع) شدند و همچنین آزادمنشی در تمام زندگی و آثار ایشان موج می‌زند؛ بنابراین حوزه‌های علمیه باید مقام چنین شخصیت‌های بزرگی را پاس بدارند و فعالیت‌ها و از تلاش‌های آنان در نشر معارف الهی الگو بگیرند.

از همسر ایشان هم برایمان می‌گویید، چگونه با چنین مرد دانشمند و فرهیخته‌ای زندگی می‌کردند؟

همان طور که گفتم ایشان یک چهره داشتند، فرق نمی‌کرد در جمع خانواده باشند یا دانشجویان. اما در خانه وظیفه همسری و پدري را بدرستی انجام می‌دادند و همیشه می‌گفتند امتیازات اجتماعی و... نباید تو را از وظایف خانوادگی ات دور کند. همسر ایشان بسیار مدیر و مدیر بود و همین باعث شده بود مرحوم علامه با خاطر جمعی به کارهای تحقیقاتی و نوشتاری خود بپردازند. استاد طبق نظمی که داشت، راس ساعت ۱۰ شب می‌خوابید و صبح زود بیدار می‌شد، حتی اگر مهمان در خانه بود عذرخواهی می‌کردند و برای خواب به اتاق خودشان می‌رفتند. در این‌که ایشان یکی از انسان‌شناسان مطرح معاصر هستند شک ندارم، انسان‌شناسی که بشدت انسان‌دوست هم بودند و عملاً این ویژگی را ثابت می‌کردند. یادم هست یکی از دخترانشان به نام عذرا در خیابان انقلاب و در کنار دکه روزنامه‌فروشی با دختری تقریباً ۱۵ ساله آشنا شده بود که از قرچک ورامین به تهران آمده و از عذرا خانم سراغ دفتر مجله زن روز را می‌گیرد. او متوجه می‌شود دختر از خانه فرار کرده، بنابراین او را با ترفندی به خانه زنده‌یاد علامه آورده بود. مرحوم علامه با دختر بسیار صحبت کرد و راضی‌اش کرد به خانه برگردد. آن شب ایشان همه برنامه‌های منظم و شبانه خود را کنار گذاشت و با ما به ورامین آمد و دختر را تحویل پدر و مادرش داد. تا این میزان به انسان‌ها اهمیت می‌داد و سرنوشت آنها برایش مهم بود. این ویژگی‌هایی است که شخصیت ممتاز ایشان را چند بعدی و چند وجهی کرده بود.

جام‌جم آنلاین: ۱۹ سال قبل در چنین روزهایی مردی چشم از جهان فروبست که رفتنش بسیار زود بود و اگر خدا عمر بیشتری برایش مقدر می‌کرد، حتماً دنیای ما جای بهتری می‌شد! علامه محمدتقی جعفری؛ پژوهشگر، جامعه‌شناس، مولوی‌شناس، سخنور و مفسر نهج‌البلاغه یکی از نخبگانی بود که از تک‌تک روزهای عمرش بهترین استفاده و بهره را برد.

علامه جعفری به واسطه پخش سخنرانی‌هایش از شبکه چهار تلویزیون بین عموم مردم نیز به شهرت رسید و بسیاری از طریق همین سخنرانی‌ها با آثار ایشان آشنا شده و حتی به علاقه‌مندان مولوی تبدیل شدند. مرحوم علامه جعفری در سال ۱۳۰۴ در تبریز متولد شد، پدرش نانوا و مردی بسیار سختکوش بود.

ایشان سال ۱۳۲۰ به تهران مهاجرت کرد و به مدرسه مروی رفت و در ادامه برای تحصیلات حوزوی به قم و نجف رفت.

علامه جعفری از شخصیت‌هایی است که مطالعه آثار او می‌تواند راهگشای ذهن و زندگی جوانان باشد.

با منوچهر صدوقی سها، وکیل دادگستری، استاد دانشگاه و عرفان‌پژوه درباره زندگی شخصی علامه جعفری هم صحبت شدیم.

یک انسان چطور می‌تواند برای زندگی‌اش برنامه‌ریزی داشته باشد که بتواند چنین مفید زندگی کند. برنامه‌ریزی ایشان برای روزهای زندگی چگونه بود؟

به نظرم همه اینها توفیق الهی است که نصیب ایشان شده بود! مرحوم علامه بسیار منضبط بودند و دقیقه‌ای از عمر خود را تلف نمی‌کردند. مسلماً

نماینده ولی فقیه در استان کردستان: بسیج جهان اسلام با مشارکت اقوام و مذاهب اسلامی در منطقه شکل گرفته است



نماینده ولی فقیه در استان کردستان گفت: بسیج جهان اسلام با مشارکت مسلمانان کشورهای منطقه متشکل از اقوام و مذاهب اسلامی شکل گرفته است و جبهه استکبار یکی پس از دیگری سنگرهایش را خالی می‌کند و چاره‌ای جز خروج از منطقه ندارد.

به گزارش خبرنگار تقریب از سنندج، حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد حسینی‌شاهرودی در گردهمایی بزرگ بسیجیان در سالن آزادی سنندج، اظهار داشت: شکست داعش و سایر شکست‌های تحمیل شده بر دشمنان نشأت گرفته از بسیج مردمی مسلمانان در کشورهای منطقه بود.

وی افزود: امسال هفته بسیج مقارن با شادی‌های بسیاری شده است که ایام ولادت پیامبراکرم (ص) و شکست فتنه داعش توسط رزمندگان اسلام از جمله این شادی‌هاست.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان همچنین از همت والای مردم کردستان و سایر ایرانیان در یاری رساندن به مردم زلزله زده کرمانشاه تقدیر کرد و گفت: بسیج مردمی ایرانیان طی چهار دهه از عمر خویش منشأ برکات بسیاری بوده است.

شاهرودی افزود: بسیج حزب الله، انصارالله، فاطمیون، زنبیون، حیدریون و سایر گروه‌های مردمی در جهان اسلام با تاسی از بسیج مستضعفین شکل گرفته در ایران به مبارزه با توطئه‌های استکبار جهانی پرداختند و امروز شاهد نابودی فتنه داعش و سایر توطئه‌های دشمنان اسلام در منطقه توسط همین نیروهای بسیج مردمی هستیم.

وی افزود: به فضل الهی و با تشکیل بسیج مردمی در جهان اسلام شاهد خالی کردن سنگرهای استکبار یکی پس از دیگری هستیم و همه توطئه‌های آنان دامن خودشان را گرفته است و آنان چاره‌ای جز تسلیم در برابر موج بیداری اسلامی ندارند.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان در پایان سخنان خود کشتار نمازگزاران در مصر و کشتار چندصد نفر از مسلمانان این کشور را به همه مسلمانان جهان تسلیت گفت و افزود: برای دشمنان اسلام شیعه و سنی تفاوتی ندارد و آن‌ها برای رسیدن به اهداف شوم خویش همه مسلمانان را مورد هدف قرار می‌دهند.

گفتنی است، بسیجیان در این گردهمایی همچون گردهمایی‌های متعددی که در ایام مختلف سال انجام می‌دهند با شعارهای استکبارستیزانه خویش با آرمان‌های والای نظام مقدس اسلامی تجدید میثاق کردند و این گردهمایی مملو از شعارهای کردی و فارسی بسیجیان کردستانی بود که با صدای رسا از آمادگی خویش برای نابودی صهیونیسم جهانی خبر می‌دادند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

هیچ مذهبی نباید به مقدسات مذهب دیگر اهانت کند



عبرت بگیریم، در حال حاضر باید مراقب و هوشیار باشیم و فکر نکنیم که داعش تمام شد و دشمن خاموش می‌شود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی هوشیاری امت اسلامی و محور مقاومت در برابر توطئه‌های آینده دشمن را ضروری دانست و گفت: دشمنان سعی می‌کنند از راه‌های دیگری ایجاد جنگ، تفرقه و نزاع کنند که اگر بیدار باشیم آنها موفق نخواهند شد.

وی خاطرنشان کرد: اگر به دستورات اسلام در محیط زندگی عمل کنیم، اسلام جاذبه پیدا می‌کند و هر روز گروه‌های دیگری به سوی اسلام می‌آیند؛ اخلاق اسلامی جاذبه مهمی دارد که پیغمبراکرم (ص) هم از این اخلاق اسلامی استفاده و مردم را به اسلام دعوت نمودند.

آیت الله مکارم تأکید کرد: علما و نخبگان امت اسلامی نیز باید این روش پیغمبراکرم (ص) را ادامه دهند و در این صورت خواهیم دید که بسیاری به دین اسلام جذب خواهند شد.

که باید با استفاده از دستور قرآن و روایات، گرد محبت اهل بیت (ع) اجتماع کنیم، اظهار داشت: باید دست به دست هم داده و اجازه ندهیم کسی در امت اسلامی اختلاف ایجاد کند.

وی عنوان کرد: برای اینکه اتحاد مسلمین محکم باشد باید تمام مذاهب اسلامی به مقدسات یکدیگر احترام بگذارند، ما اجازه نمی‌دهیم که شیعیان به مقدسات اهل سنت و یا اهل سنت به مقدسات شیعه اهانت کنند؛ بنابراین هیچ مذهبی نباید به مقدسات مذهب دیگر اهانت کند.

این مرجع تقلید با اشاره به پیروزی‌های اخیر جبهه مقاومت خاطرنشان کرد: ما نتیجه اتحاد را در سوریه و عراق در مقابل داعش مشاهده کردیم یعنی وقتی مسلمانان متحد شدند و شیعه و اهل سنت دست به دست هم دادند، توانستند بر این دشمن خطرناک پیروز شوند.

وی افزود: پیروزی‌های اخیر تجربه بسیار موفقی بود که باید از این مسأله برای آینده اسلام درس

آیت الله مکارم شیرازی تأکید کرد: برای اینکه اتحاد مسلمین محکم باشد باید تمام مذاهب اسلامی به مقدسات یکدیگر احترام بگذارند.

به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا)، حضرت آیت الله مکارم شیرازی در دیدار جمعی از علما و شخصیت‌های شرکت‌کننده در اجلاس جهانی محبین اهل بیت (ع) و مسأله تکفیری‌ها از کشور روسیه، با ابراز خرسندی از این دیدار گفت: آنچه در اجلاس تهران انجام شد یک کار بی‌سابقه بود که محبین اهل بیت (ع) را از تمام فرق اسلامی دور هم جمع کرد.

این مرجع تقلید افزود: مسلمانان در شرایط فعلی باید کاری کنند که وحدت میان آن‌ها حاصل شود، به همین دلیل باید نقطه‌های وحدت را پیدا و بر آنها تأکید کنیم.

وی محبت اهل بیت (ع) را عامل مهم وحدت بین مسلمانان دانست و اظهار داشت: هیچ مسلمانی را نمی‌توان پیدا کرد که بگوید نسبت به اهل بیت رسول الله (ص) محبتی ندارد. همه در محبت خاندان پیامبر (ص) مشترک هستند و ریشه این مطلب، هم در قرآن مجید و هم در روایات اسلامی آمده است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با تأکید بر این

همایش علمای مقاومت

رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت در مراسم افتتاحیه دومین کنگره این اتحادیه بر زوال و نابودی رژیم صهیونیستی تأکید کرد و گفت: تمام توطئه‌های دشمنان مستکبر و ایادی آنها در منطقه، به زودی شکست خواهند خورد.



شیخ ماهر حمود، رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت در مراسم افتتاحیه دومین کنگره این اتحادیه، اظهار داشت: همانطور که مقاومت در غزه و لبنان پیروز شد و همانگونه که ما در سوریه و شرق لبنان و عراق بر تکفیری‌ها پیروز شدیم، همه توطئه‌ها، از سوی ریاض باشد یا تل‌آویو یا هر کشور دیگری، در آینده‌ای نزدیک و به خواست خداوند شکست خواهند خورد.

وی افزود: ما به ملت‌های شکست‌خورده می‌گوییم که به تاریخ گذشته و حال حاضر خود به خوبی دقت کنید و نقش علمایی مانند عزالدین قسام، عمر مختار، احمد یاسین، عباس الموسوی و دیگر علما را ملاحظه کنید و ببینید که چه نقش مهمی در بیدار سازی امت اسلامی و خروج آنها از مشکلات داشته‌اند.

وی اظهار داشت: نکته‌ای که باید در این کنفرانس بر آن تمرکز کرد، این است که اسرائیل رژیمی رو به نابودی و زوال است و همه یهودیان و صهیونیست‌ها به این مسأله اعتراف می‌کنند. ما این مسأله را از افسران اسرائیلی شنیده‌ایم که هر فرد اسرائیلی در هر لحظه و هر روز در انتظار پایان یافتن این رژیم رو به زوال است.

رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت در پایان تأکید کرد: فلسطین قیله‌گاه ما مسلمانان باقی خواهد ماند و صهیونیست‌ها نخواهند توانست ما را از این مسیر منحرف کنند.

نمایندگان دیگر کشورهای اسلامی نیز که فرصت سخنرانی در مراسم افتتاحیه یا کمیسیون‌های تخصصی این همایش را داشتند بر اتحاد و همگرایی مسلمانان برای مقابله با رژیم صهیونیستی تأکید کردند. برخی حاضران در این همایش، برگزاری چنین کنفرانسی را مقدمه‌ای برای بسیج جهان اسلام برای مقابله با رژیم صهیونیستی دانستند.

مقاومت شکست‌خورده است و جهان اسلامی در برابر استکبار جهانی متحد است که ای بشارتی بر پایان رژیم صهیونیستی است و شکست‌های پی‌در پی این رژیم در لبنان و شکست توطئه‌هایی که علیه فلسطین و همچنین برای پاشیدن منطقه انجام داده است نیز نشانه همین امر است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: جهان از زمان پیروزی مقاومت بر رژیم صهیونیستی شاهد پیروزی این رژیم نبوده است و این نشان می‌دهد که نابودی این رژیم آغاز شده است.

آیت الله تسخیری:

مقاومت: سرپویایی امت اسلامی است

آیت الله محمد علی تسخیری، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز با اشاره به اینکه مقاومت سرپویایی امت اسلامی است خاطرنشان کرد: دشمن تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد که به وحدت امت اسلامی ضربه بزند اما مقاومت اسلامی می‌تواند از امت اسلامی و کرامت و عزت آن دفاع کند.

وی با بیان اینکه حاکمان کشورهای عربی با خیانت آشکار خود، مقاومت اسلامی را تروریسم معرفی می‌کنند، تأکید کرد که همه مسلمانان باید از مقاومت اسلامی حمایت کنند.

شیخ نعیم قاسم معاون دبیر کل حزب الله لبنان که از سخنرانان مراسم افتتاحیه این همایش بود، گفت: حمایت‌های بین‌المللی موجب استمرار تجاوز و جنایات رژیم صهیونیستی شده و باید همه مسلمانان برای دفاع از مردم مظلوم فلسطین و مقابله با آن در صحنه باشند، چرا که تثبیت اشغالگران در فلسطین به معنای تثبیت طرح‌های تجزیه منطقه و تفرقه افکنی در آن خواهد بود.

رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت:

فلسطین قیله‌گاه مسلمانان باقی خواهد ماند و صهیونیست‌ها نمی‌توانند ما را از این مسیر منحرف کنند

کنفرانس بین‌المللی اتحادیه علمای مقاومت آبان ماه با پیام رهبر معظم انقلاب توسط آیت الله اراکی و با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از علمای مسلمان شیعه و اهل سنت از بیش از ۸۰ کشور اسلامی و سخنرانی چند تن از علمای جهان اسلام در شهر بیروت برگزار شد.

مقام معظم رهبری در پیامی به خطاب

به «شیخ ماهر حمود» رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت، مسئله فلسطین را مسئله فراموش ناشدنی جهان اسلام دانسته و تصریح کردند که این مبارزه‌ای مقدس و خوش‌عاقبت است و به فرموده معظم‌له، وعده الهی، نصرت قطعی در این مبارزه است.

پیام مقام معظم رهبری با استقبال گسترده حاضران در همایش مواجه شد. حضار با شعار الله اکبر از پیام مقام معظم رهبری استقبال کردند. آیت الله اراکی در کنگره بین‌المللی اتحادیه علمای مقاومت: پروژه تفرقه‌انگیز آمریکایی - صهیونیستی شکست خورده است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: پروژه آمریکایی - صهیونیستی در جهت تفرقه افکنی میان امت اسلامی و ایجاد اختلاف در صفوف مقاومت، در بسیاری از مناطق جهان اسلام شکست خورده است.

آیت الله محسن اراکی، دبیر کل مجمع جهانی مذاهب اسلامی، در مراسم افتتاحیه دومین کنگره بین‌المللی اتحادیه علمای مقاومت، تأکید کرد: این کنفرانس بیانگر آغاز مرحله جدیدی است که به سطره آمریکا بر منطقه ما پایان می‌دهد.

وی افزود: گردهمایی علما از همه کشورهای بیانگر آغاز مرحله جدیدی در زندگی امت اسلامی است.

آیت الله اراکی تصریح کرد: توطئه گسستن و تجزیه در عراق و سوریه و همه منطقه شکست خورد و جهان شاهد ناکامی و شکست دشمن صهیونیستی در لبنان و فلسطین و منطقه است.

وی افزود: از زمان آغاز مقاومت شرافتمند، جهان پیروزی اسرائیل را ندیده است و ما به مقاومت فلسطین به خاطر اتحاد و بازگشت به وحدت صفوف تبریک می‌گوییم.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد: همه تلاش‌ها برای از بین بردن

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مصفائیة) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۶۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی کتب

نگاهی به فرقه‌های نوظهور در هفتاد و چهارمین شماره «روشنا»

هفتاد و چهارمین

شماره از «روشنا»:

فصلنامه تخصصی

فرق و ادیان، به

سرمدیری امید رضائی

از سوی موسسه

مطالعاتی - تحلیلی

فرق و ادیان (روشنگر)

منتشر شد. «باب

گفت‌وگوی منطقی، باز است» عنوان گفت‌وگوی

اختصاصی این شماره از «روشنا» با آیت‌الله

محمدعلی تسخیری است.

حرکت دین در مسیر پرپیچ و خم تاریخ از ابتدا تا به

امروز، با عبور از حکومت‌ها و مناسکشان و بروز تغییر و

تحولات گسترده در شکل و محتوای آن، این واقعیت

را آشکار می‌کند که هر قدر از اصل و اساس واقعی خود

فاصله زمانی پیدا می‌کند، زوایایی یافته و آرایه‌هایی

به خود می‌گیرد، بر حجم فرقه‌ها و برداشت‌های

نادرست و انحرافی از دین افزوده شده و بشر بیشتر از

قبل، دچار حیرت و خسران می‌شود. نشریه «روشنا»

در این راستا در تلاش است که با آگاهی بخشی درست

و علمی و شفاف‌سازی حقایق موجود در سطح اجتماع

در حوزه فرق و ادیان، گامی موثر بردارد.

«ادیان»، «انجمن حجتیه»، «بهائیت»، «تصوف»،

«فرقه‌های نوظهور» و «مسیحیت تبشیری»،

بخش‌های مختلف این شماره از فصلنامه هستند.

در بخش «ادیان»، علاقه‌مندان می‌توانند گفت‌وگوی

آیت‌الله تسخیری را با عنوان «باب گفت‌وگوی منطقی

باز است» مطالعه کنند. مقاله «ملی‌گرایی، باستان‌گرایی

و هفت آبان» و دو گزارش «یک روز در میان زرتشتیان»

و «کوتاه از برنامه‌های فصل گذشته ارامنه» نیز در این

بخش از نشریه ارائه شده است.

آیت‌الله محمدعلی تسخیری، مشاور مقام معظم

رهبری در امور جهان اسلام در گفت‌وگویی که با

«روشنا» داشته، بر وظیفه تربیتی رهبران و سیره ائمه

(ع) در بحث گفت‌وگوی ادیان را تبیین کرده است. در

بخشی از این گفت‌وگو درباره ضرورت و دستاوردهای

گفت‌وگوی ادیان می‌خوانیم: «رهبران دینی - ادیان،

به‌خصوص ادیان ابراهیمی، وظیفه دارند روی

مشترکات تأکید داشته باشند. در مقابله با دشمنان

تدین و دین، با هم همکاری کرده و با هر چه با روح

ادیان ناسازگار است، مبارزه کنند، چه برهم زدن

نظم جهانی باشد و چه مشوش ساختن چهره دین

در اذهان. از یک سو تدین را تقویت نموده و از سوی

دیگر، با طاغوت، طغیان و افراط مبارزه کنند.»

هفتاد و چهارمین شماره فصلنامه «روشنا»، ویژه

پاییز ۹۶، به مدیرمسئولی عمادالدین مرتضوی

مجد و سرمدیری امید رضایی، در ۱۰۲ صفحه به

بهای ۱۲ هزار تومان از سوی موسسه مطالعاتی -

تحلیلی فرق و ادیان (روشنگر) چاپ و منتشر شده

است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: کتابخانه‌ها مهد تمدن بشری هستند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به این پرسش گفت: علامه طباطبایی از جهات مختلف با موضوع کتاب و افق‌های کتاب پیوند خورده است. نکاتی که برای فرهنگ مکتوب ما هنوز هم درس‌آموز است. ابتدا اینکه در روزگاری که کتاب‌نویسی به صورت گاه و بی‌گاه و بدون پشت کار و پایداری انجام می‌شد، علامه طباطبایی برای نوشتن میزان از جلد اول تا جلد آخر آن ۱۷ سال وقت صرف کردند. از سال ۱۳۲۵ شمسی، علامه تدریس میزان را در قم و سپس ۱۳۳۴ نگارش اولین جلد آن را آغاز می‌کند. ۱۷ سال بعد در ۲۳ رمضان، آخرین سطور از آخرین صفحات آن تمام می‌شود. یعنی ۲۶ سال در کنار یک اثر ماندن. چنین مواردی است که رمز ماندگاری یک اثر را در قفسه‌های کتاب تبیین می‌کند.

سید عباس صالحی در تشریح دیگر ویژگی‌های علامه طباطبایی گفت: ایشان تنها کتاب ننوشتند، بلکه کتاب را همراه با گفت‌وگو نوشتند. آثار اصلی ایشان آثاری هستند که از دل یک گفت‌وگو متولد شده‌اند، مانند «شیعه» که در گفت‌وگو با هانری کوربن شکل گرفت. تفسیر میزان نیز با تدریس آغاز شد و در سنت حوزوی تدریس همراه با گفت‌وگو و پرسش و پاسخ صورت می‌گیرد. گرچه علامه از این دنیا رفته است، اما هر ورق از نوشته‌های او می‌تواند حاشیه نویسی‌ها و شرح نویسی‌های بسیاری را باعث شود.

وی همچنین طی سخنانی در بزرگداشت جایگاه کتاب، کتابخانه‌ها و کتابداران گفت: اگرچه امروز رسانه‌های جدید پدید آمده‌اند، اما همچنان نیازمند کتاب هستیم، چرا که کتاب عصاره

به گزارش باشگاه خبرنگاران پویا، مراسم بزرگداشت روز «کتاب، کتابخوانی و کتابدار» چهارشنبه ۲۴ آبان ماه با حضور سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن جوادی، معاون امور فرهنگی و علی مرادخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمشید جعفرپور، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، علیرضا مختاریپور، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و مجید غلامی جلیسه، دبیر بیست و پنجمین دوره هفته کتاب و جمعی از مدیران و مسئولان فرهنگی و کتابداران در تالار وحدت تهران برگزار شد.

سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم ضمن همدردی با مردم زلزله‌زده غرب کشور، گفت: روز «کتاب، کتابخوانی و کتابدار» و هفته کتاب را گرامی میدارم و یادی می‌کنم از شهید رفیع، محسن حججی که از باغ کتاب برآمد و به گلشن آفتاب رسید. همچنین گرامی می‌دارم نام علامه طباطبایی را که روز «کتاب، کتابخوانی و کتابدار» و هفته کتاب با نام ایشان پیوند خورده است.

وی افزود: ممکن است که این پرسش مطرح شود که با این که ما بزرگان و نویسندگان بسیاری در تاریخ فرهنگی کشور داریم، چرا نام علامه طباطبایی با این روز و ایام پیوند خورده است؟ شاید تصور این باشد که ایشان بیشتر با فلسفه یا قرآن پیوند دارد، چرا کتاب، کتابخوانی و کتابدار؟ گرچه سال‌های متوالی است که این ایام با نام ایشان پیوند خورده، اما فکر می‌کنم به این مسئله کمتر از آنچه که باید پرداخته شده است.

رئیس سازمان اوقاف:

بهترین کتابخانه‌های کشور وقفی هستند

نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف ادامه داد: این آمادگی را داریم که در راستای نیت واقفین به مجموعه‌های علمی، تحقیقاتی و پژوهشی همچون کتابخانه‌های وقفی کمک کنیم. رسانه‌ها باید در این زمینه، برای اطلاع عموم به‌صورت سوزده تخصصی و ویژه گزارش ارائه دهند.



حجت‌الاسلام والمسلمین علی محمدی، در حاشیه نشست خبری دهه وقف، گفت: برخی از بهترین کتابخانه‌های کشور مانند کتابخانه‌های دانشگاهی و کتابخانه ملک، وقفی هستند که هم کتاب‌ها و هم مکان آن موقوفه است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی محمدی، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، در حاشیه نشست خبری دهه وقف، در پاسخ به پرسش خبرنگار ایبنا، درباره وضعیت کتابخانه‌های وقفی در کشور، اظهار کرد: تعدادی از موفق‌ترین و بهترین کتابخانه‌های کشور مانند برخی کتابخانه‌های دانشگاهی و کتابخانه ملک، وقفی هستند. در این مجموعه هم کتاب‌ها و هم مکان موقوفه است.

حجت‌الاسلام شرفخانی:

در دوره‌ای بیشترین موقوفات کشور کتابخانه‌ها بوده‌اند

بیشترین نسخه‌های خطی ما موقوفه هستند. در گذشته حتی وقف‌هایی در زمینه نسخه‌برداری و تکثیر و نشر کتاب، صورت می‌گرفت.

حجت‌الاسلام شرفخانی افزود: اگر بخواهیم فرهنگ کتاب و کتابخوانی را که امروز وضعیت نامطلوبی دارد، ترویج دهیم، باید برای فرهنگ‌سازی در این زمینه، کتاب و کتابخانه وقف کنیم. کتاب‌ها را در خانه‌های خود حبس کرده‌ایم، در حالی که برای دسترسی همه مردم می‌توان آن‌ها را وقف کرد.

معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، گفت: مراکز و نهادهای فرهنگی از جمله نهاد کتابخانه‌های عمومی، نباید فعالیتش منحصر به برخی کتابخانه‌های خاص شود، بلکه باید تکثیر کتاب‌های قفسه باز در کل کشور در دستور کار قرار گیرد؛ البته نه با هزینه دولتی بلکه با هزینه مردمی. اگر این پویا ایجاد شود، مردم حتما کتاب‌های زیادی وقف می‌کنند.

معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه کشور با اشاره به اهمیت وقف در حوزه کتاب و کتابخانه، گفت: بیشترین موقوفات کشور در یک دوره‌ای کتابخانه‌ها بوده‌اند. امروز هم برخی از بزرگترین و بهترین کتابخانه‌های کشور و بیشترین نسخه‌های خطی ما موقوفه هستند.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد شرفخانی، معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، همزمان با روز وقف در گفت‌وگو با خبرنگار ایبنا، بیان کرد: پیشینه وقف در کشور از مساجد شروع شده و در مساجد نیز نخستین وقف‌هایی که صورت گرفته، در زمینه کتاب و کتابخوانی بوده است.

این مسئول فرهنگی کشور ادامه داد: بیشترین موقوفات کشور در یک دوره‌ای کتابخانه‌ها بوده‌اند. امروز هم برخی از بزرگترین کتابخانه‌های کشور و

تمدن‌های بشری و کتابخانه‌ها مهد تمدن بشری هستند که این تمدن را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند. در این میان کتابداران نیز راهنمایان و کلیدداران این گنجینه بشری هستند که درهای این باغ دل‌را را برای نمایش و استفاده نسل‌های بعدی به روی ما می‌گشایند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تقدیر از اقدامات صورت گرفته در دوره جدید مدیریت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور عنوان کرد: خوشبختانه این نهاد در دولت یازدهم گام‌های خوبی برداشت: افتتاح ۲۵۵ کتابخانه در کشور، ارتقاء سطح معیشت کتابداران، تغییر نظام ارتباطی با کتابداران سراسر کشور، تغییر نوع نگاه در مصرف کتاب با توجه به ذائقه مصرف‌کننده، احترام به سلیقه کتابداران در تأمین منابع، برگزاری جشنواره‌ها، همایش‌هایی که مسئله کتاب را برای ما مهم و جذاب نگه دارد، بخشی از این فعالیت‌ها بوده است.

صالحی در ادامه تصریح کرد: باید توجه داشته باشیم که موضوع کتابخوانی و بالا بردن ذائقه مصرف کتاب، تنها کاریک نهاد و یک وزارتخانه نیست. بلکه این موضوع عزم و اهتمام ملی را می‌طلبد تا کتاب نه تنها در جمع خانواده بماند، بلکه در جامعه نیز بروز داشته باشد. خوشبختانه موضوع کتاب و کتابخوانی در دو جلسه متوالی در شوری فرهنگ عمومی در دستور کار قرار گرفت که از دل آن مصوبه‌ای برای ترویج کتابخوانی و توسعه و تجهیز کتابخانه‌ها بیرون آمد که ان‌شاءالله به همت نهادهای دولتی و همچنین حضور پررنگ نهادهای مدنی و اجتماعی به ثمر خواهد نشست.

بخش هم می‌توانند به‌صورت موضوعی و مستند این خدمات را به مردم معرفی کنند.

رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه کشور با اشاره به بخشی دیگر از فعالیت‌های این سازمان در حوزه فرهنگ و دین و قرآن، افزود: راه‌اندازی مراکز قرآنی و فرهنگی در اماکن‌ها، فعالیت‌های قرآنی و تبلیغ فرهنگ وقف نیز از کارهایی است که برای گسترش وقف در کشور از سوی سازمان انجام می‌شود. بانظرسنجی‌هایی که انجام شده به این نکته رسیدیم که ۷۰ درصد مردم ایران با وقف، کارکرد و خدمات آن آشنایی ندارند و رسانه‌ها، مبلغین، مراکز فرهنگی و مذهبی و دستگاه‌های مختلف کشور، در تبلیغ و ترویج فرهنگ وقف و معرفی آن به مردم می‌توانند تأثیرگذار باشند.

این مسئول فرهنگی کشور، با اشاره به تقارن هفته کتاب و روز وقف، اظهار کرد: نذر یا وقف کتاب می‌تواند در ترویج فرهنگ کتابخوانی تأثیرگذار باشد. امروزه متأسفانه در مواردی دیده می‌شود که عنوان موقوفه از سردر کتابخانه‌ها و یا مراکز فرهنگی و علمی، برداشته شده است. مردم اگر آثار و برکات وقف فرهنگی را در این مجموعه‌ها ببینند، به این کار متمایل می‌شوند.

حجت‌الاسلام شرفخانی درباره مهمترین برنامه‌های سازمان اوقاف که با محوریت کتاب، پژوهش و علم در دهه وقف انجام می‌شود، افزود: در این دهه، نشست‌هایی با موضوع وقف و حوزه‌های علمیه، وقف و کتاب و کتابخوانی، وقف، خانواده و سبک زندگی، وقف و مباحث قرآنی، وقف و علم و فناوری، وقف و اقتصاد مقاومتی و توسعه وقف قرآنی اشاره کرد.